

تفسیر نور (سوره ی شعراء)

نام نویسنده : حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محسن قرائتی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

سیمای سوره ی شعراء

این سوره دویست و بیست و هفت آیه دارد که در مکه نازل شده و بعد از سوره ی بقره، دارای بیشترین آیات است. این سوره به خاطر ستایش از شاعران مؤمن و مذمت شاعران بیهوده گوی، که در چهار آیه ی آخر آن آمده، **شُعراء** نامیده شده و نام دیگر آن طسم است.

سرگذشت پیامبرانی همچون حضرت موسی، ابراهیم، نوح، لوط، صالح، هود و شعیب علیهم السلام، و برخوردهای لجوجانه ی مردم با آنان در این سوره آمده است و در پایان هر داستان می فرماید: **إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ** لذا این آیه هشت بار تکرار شده تا مایه ی دلداری پیامبر اسلام باشد و به او بگوید از لجاجت مردم مکه دلهره نداشته باش، زیرا همه ی انبیا گرفتار چنین مردمی بوده اند.

آری تاریخ، بهترین وسیله برای تقویت روحیه مؤمنین، بالا رفتن بصیرت و صعه ی صدر و آینده نگری در برابر تهدید دشمنان است. لذا رهبران جامعه باید از تاریخ جامعه آگاه باشند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه:

به نام خداوند بخشنده مهربان

1 - طسم

2 - تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

ترجمه:

ط، سین، میم، این است آیات کتاب روشنگر.

3 - لَعَلَّكَ بَخِعٌ نَفْسِكَ اءِلا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

ترجمه:

گویی می خواهی به خاطر آن که مشرکان ایمان نمی آورند، جان خود را از دست بدهی.

نکته ها:

درباره ی معنای حروف مقطعه، سخنان بسیاری گفته شده است و شاید بهترین آنها این باشد که خداوند با آوردن این حروف در ابتدای برخی سوره های قرآن (29 سوره)، می خواهد این مطلب را بیان کند که قرآن، معجزه ی جاوید من از همین حروف است، شما هم اگر می توانید از همین حروف الفبای عربی، کتابی همسنگ آن بیاورید. آیه ی اوّل سوره ی شوری که بعد از حروف مقطعه می فرماید: **كذٰلِكَ يُوحٰى**، این قول را تاءید می کند.

کلمه ی باخِع به معنای هلاک کننده است.

پیام ها:

1- یک مکتب جامع باید دارای منطقی قوی، قاطع، مکتوب و روشمند باشد، به گونه ای که همگان به آن دسترسی داشته باشند. **تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ**

2- قرآن، مقامی بس بلند دارد. **تِلْكَ** (تِلْكَ اشاره به دور است که مقام بسیار بلند را می رساند)

3- هر جا به بن بست رسیدید، قرآن روشنگر شماست. **الْكِتَابِ الْمُبِينِ**

4- تکرار، یکی از اصول تربیت است. (آیه ی **تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ** در ابتدای سوره های یوسف، قصص و شعراء، بدنبال حروف مقطعه تکرار شده است).

- 5- تلاش و سوز، در همه جا کارساز نیست. **لعلک باخع...**
- 6- دلداری افراد غمگین، کاری است الهی. **تلك آیات... لعلک باخع**
- 7- انبیا برای انجام تکلیف خود، بیش از حد انتظار تلاش می کردند. **لعلک**

باخع

- 8- یکی از صفات بارز انبیا، سوز است. **باخع نفسک** (سوز، نشانه ی عشق به مکتب و امت است).
- 9- اگر زمینه ی تاءثیر نباشد، از بهترین کتاب و مربی نیز نتیجه و اثری به دست نمی آید. **ألاّ یكونوا مؤمنین**

4 - **إِنْ نَّشَاءُ نُنزِّلُ عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ**

ترجمه:

اگر بخواهیم، معجزه ای از آسمان بر آنان فرود آوریم، تا در برابر آن، گردن هایشان خاضع گردد (وبا اکراه و اجبار مؤمن شوند، اما سنت الهی چنین نیست).

پیام ها:

- 1- سنت و قانون خداوند، اختیار و مهلت دادن به مردم است. **إِنْ نَّشَاءُ**
- 2- توجه به قدرت الهی، بهترین وسیله آرامش روح است. **لعلک باخع... إِنْ**

نشاء

3- ایمان باید اختیاری و انتخابی باشد نه اجباری. **فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا**

خاضعین

5- **وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ**

ترجمه:

هیچ تذکر تازه ای از (طرف) خداوند مهربان برایشان نیامد، مگر آن که از آن روی گردان بودند.

6 - فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَاءَ تِيهِمْ اءَنْبُوْا مَا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ

ترجمه:

پس آنان تکذیب کردند، و به زودی اخبار (کیفر) آنچه را که به مسخره می گرفتند به آنان خواهد رسید.

نکته ها:

در این آیات برای کفار سه خصلت بیان شده است: اعراض، تکذیب، استهزا. آری انسان به تدریج و گام به گام به سقوط کشیده می شود، ابتدا به حق بی اعتنایی و اعراض می کند، سپس آن را تکذیب و آن گاه حق را مسخره می کند. ولی بدترین حالت و صفت انسان، مسخره کردن حق است، لذا در این آیه می فرماید: در آینده، خبرهای مسخره کردن آنان به آنها خواهد رسید. و نمی فرماید: کیفر اعراض و تکذیب به آنان خواهد رسید.

پیام ها:

- 1- قرآن به تدریج نازل شده است. ما یاء تیهیم من ذکر... مُحدث
- 2- تذکرات قرآن، یکی از الطاف دائمی خداوند است. ذکر من الرحمن
- 3- هیچ تذکری در افراد سنگدل، کارساز نیست. من ذکر
- 4- خداوند با تذکر، تکرار و نوآوری، با کفار اتمام حجت می کند. ذکر...

محدث

- 5- انسان نباید به سنت های کهن خود آن گونه دلبستگی داشته باشد که هر حرف تازه ای را بشنود با آنکه حق است، باور نکند. ذکر... محدث... عنه

معرضین

- 6- دین، عامل هوشیاری است، نه تخدیر. من ذکر

7- گروهی از مردم به جای پذیرش حق، از قبل راه لجاجت را انتخاب کرده اند. (اعراض ودوری از حق، شیوه دائمی گروهی از مردم است). **کانوا**

8- اعراضی که برخاسته از استکبار و تکذیب باشد، خطرناک است. **معرضین**

کذبوا

9- بی اعتنائی به خطرهای و کیفرهای آینده رمز قهر الهی است. **انباؤا ما کانوا**

10- آنان که حق و پیروان آن را مسخره می کنند، کارشان بی پاسخ نخواهد

ماند. **ما کانوا به یستهزؤن** (یا در دنیا، یا در هنگام مرگ، یا در برزخ، یا در

رجعت و یا در قیامت پاسخ کارهای زشت خود را خواهند دید).

7 - **اءَوْلَمْ یَرَوْا اِلٰی الْاَرْضِ کَمْ اءَبْتَنَّا فِیْهَا مِنْ کُلِّ زَوْجٍ کَرِیْمٍ**

ترجمه:

آیا به زمین نگاه نکردند که از هر نوع (روبینی) نیکو چقدر رویانندیم؟

8- **اِنَّ فِیْ ذٰلِکَ لَاٰیةً وَّمَا کَانَ اَکْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِیْنَ**

ترجمه:

9 - **وَ اِنَّ رَبَّکَ لَهٗوَ الْعَزِیْزُ الرَّحِیْمُ**

ترجمه:

قطعاً در این (آفرینش نیکو) عبرت و نشانه ای است، ولی بیشترشان ایمان

آورنده نیستند. و به راستی پروردگار تو همان نفوذ ناپذیر مهربان است.

نکته ها:

در **اواسط قرن هجده میلادی**، **لینه** گیاه شناس معروف سوئدی برای اولین

بار به کشف مسأله ی زوجیت در بعضی گیاهان موفق شد. او گفت: **نر و**

مادگی در گیاهان نیز هست و برای بارور شدن گیاهان، لقاح لازم است. قرآن کریم قانون زوجیت را شامل گیاهان و غیر گیاهان می داند. (1)

پیام ها:

1- مطالعه درباره ی موجودات هستی و زیبایی های آن، بهترین راه خداشناسی است. **اءولم یروا**

2- قرآن کسانی را که با دید عمیق به جهان نگاه نمی کنند، تویخ می کند. **اءولم یروا الی الارض**

3- یکی از نشانه های قدرت خداوند، زوج بودن گیاهان است. **انبتنا... زوج کریم**

4- در همه ی گیاهان فوایدی هست، گرچه ممکن است فایده ی بعضی برای ما کشف نشده باشد. (2) **من کلّ زوج کریم**

5- اگر قابلیت و زمینه ی پذیرش حق در کسی نباشد، از همه ی هستی نیز درس نمی گیرد. **اءولم یروا... ما کان اکثرهم مؤمنین**

6- همه جا اکثریت، نشانه ی حقایق نیست. **ما کان اکثرهم مؤمنین**

7- پیامبر اکرم ﷺ تحت عنایت خاص خداوند است. **ان ربک لهو العزیز**

الرحیم

8- رحم خداوند بر اساس عجز نیست، او در حالی که شکست ناپذیر است مهربان است و به مخالفان مهلت می دهد تا شاید برگردند و توبه نمایند. **العزیز**

الرحیم

10 - **وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ اءِنِ اتَّ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ**

ترجمه:

و (یادکن) زمانی که پروردگارت موسی را ندا داد که به سوی قوم ستمکار برو.

11 - قَوْمَ فِرْعَوْنَ اِءْلَا يَتَّقُونَ

ترجمه:

12 - قَالَ رَبِّ اِنِّى اءْخَافُ اَنْ يُكَذِّبُونِ

ترجمه:

قوم فرعون؛ آیا پروا نمی‌کنند؟! (موسی) گفت: پروردگارا! می‌ترسم مرا تکذیب کنند.

نکته‌ها:

در این سوره، هفت بار این جمله تکرار شده است: اِءْلَا تَتَّقُونَ، اِءْلَا يَتَّقُونَ آری، اگر تقوا نباشد، سخن پیامبران مؤثر نیست.

پیام‌ها:

- 1- تاریخ انبیا نباید فراموش شود. (اذ یعنی یاد کن آن زمان را)
- 2- هم هدف و سیره انبیا بهم شباهت دارد وهم برخوردهای مخالفان انبیا یکسان است. بنابراین آشنایی با تاریخ آنان می‌تواند راهگشای پیامبر اسلام باشد. **واذ نادى ربك**

- 3- فرستادن پیامبران به سوی مردم، از شئون ربوبیت است. **نادى ربك**
- 4- مبارزه با طاغوت، در راس برنامه‌های انبیا قرار دارد. **اِنَّتِ الْقَوْمِ**

الظالمين

- 5- در نهی از منکر، گاهی باید به استقبال خطر رفت. **اِنَّتِ الْقَوْمِ الظالمين**
- 6- قیام انبیا، بر اساس معیار است، نه کینه و انتقام. **الْقَوْمِ الظالمين**

7- فراموش کردن خدا و پیروی از طاغوت، بزرگ ترین ظلم است. القوم

الظالمین

8- برای نهی از منکر به سراغ سرچشمه های فساد بروید. قوم فرعون

9- طاغوت ها، بدون یاری مردم قدرتی ندارند. قوم فرعون

10- بی تقوایی مردم، زمینه ی رشد طاغوت هاست. الا یتقون

11- هدایت مردم، بار سنگینی است که به امداد الهی نیاز دارد. ربّ انی

اءخاف...

13 - وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَرُونَ

14 - وَلَهُمْ عَلَى ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

ترجمه:

و سینه ام تنگ می گردد و زبانم باز نمی شود، پس هارون را (نیز) رسالت بده (تا مرا یاری کند). و آنان بر (گردن) من (ادّعی) گناهی دارند، پس می ترسم مرا بکشند (و این رسالت به پایان نرسد).

15 - قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ

ترجمه:

خداوند فرمود: چنین نیست، پس (تو و هارون) همراه با معجزات ما حرکت کنید که ما با شما و شنونده (گفتگوهایتان) هستیم.

16 - فَأَتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ترجمه:

به سراغ فرعون بروید و بگویید: ما فرستاده ی پروردگار جهانیانیم.

17 - اِنَّ اَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

ترجمه:

بنی اسرائیل را (آزاد کن و) همراه با ما بفرست.

نکته ها:

مراد از گناه حضرت موسی که در آیه ی 14 آمده، ماجرائی است که در سوره ی قصص آیه ی 14 به آن اشاره شده است: موسی قبل از نبوت وارد شهری شد و دید یکی از طرفدارانش با یکی از (قبطیان) یاران فرعون درگیر شده اند. طرفدار موسی از او کمک خواست و موسی به حمایت از او مشتی بر قبطی زد که او جان داد.

این ماجرا در منطقه موجی ایجاد کرد که موسی مجبور به فرار شد و این عمل موسی گرچه به قصد کشتن آن شخص نبود، بلکه برای حمایت از مظلومی بود، ولی باعث شد تا موسی نزد فرعونیان چهره ای قاتل پیدا نمود، و هنگامی که موسی به مقام نبوت رسید به خداوند گفت: می ترسم ماجرای کشته شدن آن مرد قبطی مانع کارم شود. (از کلمه ی کلاً استفاده می شود که عمل موسی قتل عمد نبوده است و گرنه خداوند به قاتل عمدی نمی فرماید: طوری نیست به تو اطمینان حمایت می دهم.)

پیام ها:

- 1- ظرفیت افراد حتی پیامبران محدود است. (جز خداوند، همه کس و همه چیز محدودند). **يَضِيقُ صَدْرِي**
- 2- به هنگام پذیرش مسئولیت لازم است انسان نقاط ضعف خود را بیان کند. **يَضِيقُ صَدْرِي**
- 3- صراحت و صداقت، از صفات بارز انبیا است. **يَضِيقُ صَدْرِي**
- 4- رهبری، هدایت، تبلیغ و ارشاد، به سعه ی صدر نیاز دارد. **و يَضِيقُ**

صَدْرِي

- 5- در نهی از منکر و مبارزه، گاهی باید چند نفری حرکت کرد. **فاذهبوا**
- 6- نقاط ضعف را جبران کنید، ولی از زیر بار مسئولیت، شانه خالی نکنید. **يَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ** پذیرش یا اعطای مسئولیت های بزرگ با وجود ضعف ها و کمبودهای قابل جبران، مانعی ندارد.
- 7- افراد سالم و بی غرض، انسان های شایسته ی دیگر را برای قبول مسئولیت های بزرگ معرفی می کنند. **فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ**
- 8- سوابق افراد، در موفقیت آنان مؤثر است. **و لَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ**
- 9- قانون قصاص، سابقه ای بس طولانی دارد. **و لَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَاخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ** (شهادت، آرزوی پیامبران است ولی ترس و نگرانی آنان برای این بود که شاید به اهداف مقدس خود نرسند).

- 10- مدیریت تبلیغی به چند مسأله ی مهم نیازمند است، از جمله: بررسی اوضاع اجتماعی، آینده نگری و فراهم کردن زمینه های مؤثر تبلیغ. **أَخَافُ لَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَاَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ**

- 11- در بیان حقّ، نه از کمی طرفداران حقّ بترسید و نه از زیادی مخالفان حقّ. فاذهبَا
- 12- پیشنهاد مفید و مناسب را خدا هم می پذیرد. فَارْسَلِ الْيٰ هَارُونَ... فاذهبَا
- 13- دلداری و کمک به کسانی که نگرانی دارند، کاری الهی است. اَنَا مَعَكُمْ
- 14- خداوند پشتیبان انبیا است. اَنَا مَعَكُمْ
- 15- آگاهی دقیق و لحظه به لحظه در مأموریت های مهم، یک ضرورت است. اَنَا مَعَكُمْ مَسْتَمْعُونَ
- 16- معجزات پیامبران، ابزار ارشاد و هدایت و ره توشه ی آنان برای امت هاست. بآیاتنا
- 17- خداوند بر جزئیات کارهای ما آگاه است. مَسْتَمْعُونَ خداوند همه جا حاضر و ناظر است.
- 18- برای مبارزه با نظام های تشکیلاتی و فاسد، اول به سراغ سرچشمه ها بروید. فاءتیا فرعون
- 19- در تبلیغ و دعوت دیگران به حقّ، صراحت و صلابت داشته باشید. اَنَا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ
- 20- فرستادن پیامبر برای مردم، از شئون ربوبیت خداوند است. رَسُولُ رَبِّ
- 21- تمام هستی، نوعی رشد دارند. رَبِّ الْعَالَمِينَ
- 22- تمام هستی در تحت تدبیر اوست. رَبِّ الْعَالَمِينَ
- 23- همه ی انبیا یک هدف دارند. اَنَا رَسُولٌ وَنُفِرْمُود: اَنَا رَسُولًا
- 24- در برابر کسی که می گوید: اِنَّا رَبُّكُمْ الْاَعْلٰی⁽³⁾ باید گفت: رَبِّ الْعَالَمِينَ.

25- اگر در یک زمان دو پیامبر مبعوث شوند، رهبری با یکی از آنهاست. انا

رسول

26- آزاد کردن مردم از اسارت طاغوت ها، در راس برنامه های انبیا قرار

دارد. اَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

18- قَالَ اءَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ

19 - وَفَعَلْتَ فَعَلَتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَاِئْتَتْ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ

ترجمه:

فرعون گفت: آیا ما تو را در کودکی پرورديم و سالیانی از عمرت را در نزد ما نماندی؟ و با این حال انجام دادی آن کاری را که انجام دادی (و یکی از افراد ما را با مشت کشتی)، در حالی که تو از ناسپاسانی.

نکته ها:

فرعون با دو جمله، نبوت موسی را زیر سؤال برد: الف: تو نزد ما قاتل هستی و قاتل که پیامبر نمی شود. ب: ما تو را بزرگ کردیم، چگونه الطاف ما را کفران و ناسپاسی می کنی، ناسپاس که پیامبر نمی شود. آیات بعد پاسخ موسی را بیان کرده است.

پیام ها:

1- منت گذاشتن و به رخ کشیدن، از ویژگی های مستکبران است. اءَلَمْ

نُرَبِّكَ فِينَا

2- اراده ی الهی، موسی را در دامن فرعون پرورش می دهد. اءَلَمْ نُرَبِّكَ

3- اگر کسی را بزرگ کردیم، یا حرفه ای به او آموختیم، یا در امر ازدواج و مسکن و امثال آن به او کمکی کردیم، نباید با این دلیل و بهانه، سخن حقّ او را نپذیریم. **اِءَلِمَ نُرَبِّكَ فَيِنَا وَلِيْدًا**

4- اولیای خدا نمک گیر نمی شوند و محیط و جامعه در آنها اثر نمی گذارد. **لَبِثْتَ فَيِنَا مِنْ عُمْرِكَ سَنِيْنَ** (موسی نگفت ما که مدّت ها سر سفره ی فرعون بوده ایم یا حال که همه تسلیم او هستند و جامعه بر محور او می چرخد، کمی کوتاه بیائیم و سکوت اختیار کنیم).

5- حقّ نان و نمک آن نیست که صاحب حقّ را به حال خود رها کنیم و اشتباهات او را هم بپذیریم. (حضرت موسی نان و نمک فرعون را خورده بود، ولی او را به حال خود رها نکرد). **نُرَبِّكَ فَيِنَا... لَبِثْتَ فَيِنَا**

6- به توقّعات نابجای مستکبران اعتنا نکنیم. ناسپاسی در برابر مستکبر، بد نیست. **وَ اَنْتَ مِنَ الْكَافِرِيْنَ**

20 - **قَالَ فَعَلْتَهَا اِذَا وَاَنَا مِنَ الضَّالِّيْنَ**

21 - **فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنْ**

الْمُرْسَلِيْنَ

ترجمه:

(موسی) گفت: آن (قتل) را زمانی انجام دادم که از سرگشتگان بودم. و چون از شما ترسیدم از نزد شما گریختم، سپس پروردگارم به من حکمت (و دانش) بخشید و مرا از پیامبران قرار داد.

نکته ها:

مراد از حُکْم در آیه ؛ یا حکومت و سرپرستی بنی اسرائیل است و یا حکمت و دانش.

در این دو آیه، حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ ایرادهای فرعون را که در آیه قبل گفتیم، پاسخ می دهد.

چنانکه گذشت حضرت موسی به خاطر طرفداری از یکی از یاران خود، مشتی به مخالف او زد و شخص مخالف با همان ضربه مُرد. این قتل نه از روی عمد بود و نه با آلت قتل انجام گرفت، بلکه یک حادثه ی ناخواسته و یک لغزش عملی بدون سوء نیت بود که قبل از نبوت موسی آن هم به خاطر طرفداری از یک مظلوم اتفاق افتاده بود. بنابراین، ضالّ در آیه ی مذکور، یک انحراف عملی بدون قصد است که ضربه ای به عصمت نمی زند و یا به معنای تحیّر است، نظیر آیه ی 7 سوره ی ضحی: **وَجَدَكَ ضَالًّا فَهْدَى.**

از امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدند: چرا بعد از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حقّ خود را با شمشیر نگرفتید، و چرا همان گونه که با طلحه و زبیر و معاویه جنگ کردید با خلفای پیش از خود جنگ نکردید؟ حضرت فرمود: گاهی سکوت لازم است. مگر ابراهیم به مردم نفرمود: من از شما کناره می گیرم: **واعتزلکم و ما تدعون من دون الله**⁽⁴⁾ مگر هارون نفرمود: **انّ القوم استضعفونی و کادوا یقتلوننی**⁽⁵⁾ مردم مرا به ضعف کشاندند و نزدیک بود مرا بکشند؟ مگر یوسف نفرمود: **ربّ السجّن** **أحبّ الی**⁽⁶⁾ پروردگارا! زندان برای من بهتر از استجابت تقاضای آنهاست؟ مگر پیامبر اکرم در غار نرفت و من جای او نخواهیدم؟ مگر موسی نفرمود: **ففررتُ منکم لما خفتکم** همین که ترسیدم فرار کردم، و مگر حضرت لوط عَلَيْهِ السَّلَامُ در برابر تقاضای گنهکاران نفرمود: **لو أنّ لی بکم قوّة او آوی الی رکنٍ شدید**⁽⁷⁾ ای کاش

قدرتی داشتیم (تا شما را از این عمل ننگین باز می داشتیم) و یا به جایگاه محکم و اءمن پناه می بردم (و از شرّ شما در امان بودم).⁽⁸⁾ بنابراین سایر اولیای خدا نیز گاهی در شرایطی مجبور به سکوت و انزوا می شدند.

پیام ها:

1- گاهی اقرار، یک ارزش است. **قال فَعَلْتُهَا**

2- فرار از طاغوت، مقدمه ی دریافت الطاف الهی است. **ففررت منکم...**

فوهب

3- انبیا از الطاف خاصّ خداوند برخوردارند. **فَوَهَّبَ لِي وَجَعَلَنِي**

4- نبوّت، یک جریان در طول تاریخ است، انبیای بسیاری قبل از موسی

بوده اند پس تعجّب فرعون نابجاست. **من المرسلین**

22 - **وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ إِذْ أَمَّنْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ**

ترجمه:

و (آیا) این که بنی اسرائیل را بنده ی خود ساخته ای نعمتی است که منتش را بر من می نهی؟ (چرا نباید من در خانه ی پدرم رشد کنم؟)

23 - **قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ**

ترجمه:

(فرعون) گفت: پروردگار جهانیان چیست؟

نکته ها:

موسی به فرعون گفت: من باید در خانه ی پدرم بزرگ می شدم، چرا پدرم را به بردگی کشاندی که من به اجبار در خانه ی تو بزرگ شوم، آیا این، نعمت

است که آن را سپاس گزارم و یا اسارت است؟! گرچه در کاخ تو همه ی وسائل رفاه برای من بود، ولی من از این که بنی اسرائیل گرفتار بودند، ناراحتم. از قرآن استفاده می شود که فرعون در درون خود، خدا را می شناخت؛ **قال لقد عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَوَاءَ الْآرَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ**⁽⁹⁾ ولی به ظاهر خود را ربّ اعلاى مردم می دانست، مثل مدیری که بر افرادی تسلط دارد، ولی در عین حال خود را تحت امر دیگری می داند.⁽¹⁰⁾

پیام ها:

- 1- تکبر، زشتی ها را نزد انسان زیبا جلوه می دهد. **تلك نعمة تمنها عليّ**
- 2- به استکبار و منت های او با صلابت پاسخ دهید. **تلك نعمة...**
- 3- گاهی مستکبران به خاطر حفظ تاج و تخت، خود را به نادانی می زنند.

و ما ربّ العالمین

- 4- سؤال مستکبرین، مغرورانه و همراه با تحقیر دیگران است. فرعون گفت: **و ما ربّ العالمین** و نگفت: **و من ربّ العالمین** (حرف ما در زبان عرب برای جمادات به کار می رود).

24 - **قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ**

ترجمه:

(موسی) گفت: پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست، اگر باور دارید.

25 - **قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ**

ترجمه:

(فرعون) به اطرافیان خود گفت: آیا نمی شنوید (چه حرف هایی می زند)؟

26 - قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ

ترجمه:

(بار دیگر موسی) گفت: او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست.

نکته ها:

قرآن می گوید: دعوی انبیا با مخالفانشان بر سر ربوبیت خداوند یعنی مدیریت و قانونگذاری خداوند و لزوم اطاعت از دستورات اوست وگرنه مخالفان آنان، الله را به عنوان خالق جهان قبول داشتند. سخن کسانی که امروز می گویند: دین از سیاست جداست، همانند سخن کسانی است که می گویند: حساب آفریدن جهان به اراده خداوند از حساب اداره کردن آن جداست. (خداوند خلق کند، ولی ما حکومت کنیم) قرآن و عقل، حق ربوبیت و تکلیف کردن و اطاعت شدن را تنها از کسی می داند که خالق است، نه دیگران. کسی که آفرید می داند چه قانونی وضع کند. **الَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ** (11)

بعضی جمله ی ان کنتم موقنین را این گونه معنا کرده اند که موسی گفت: من می دانم که سؤال شما برای فهمیدن نیست، بلکه برای طفره رفتن است، ولی اگر شما در جستجوی حقیقت باشید، در نظم و نظام هستی فکر کنید، ربوبیت ویکتایی او را خواهید فهمید.

پیام ها:

1- باید به سؤال های اعتقادی، پاسخ صریح و روشن داد. **قَالَ وَمَا رَبُّ**

الْعَالَمِينَ قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

2- تمام هستی یک خدا دارد. **رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** (بر خلاف مشرکان که

به خدایان متعدّد عقیده داشتند).

3- تمام هستی تحت یک تدبیر، نظارت و حرکت تکاملی قرار دارند.

رَبِّ الْعَالَمِينَ

4- ذات خداوند قابل شناسایی نیست، باید او را از راه آفریده هایش شناخت و معرفی کرد. رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (فرعون از چیستی و چگونگی خداوند سؤال کرد، ولی موسی از آفریده های او پاسخ داد چون ذات قابل شناخت نیست)

5- هر کسی نمی تواند وحدت تدبیر تمام هستی را درک کند. ان کنتم موقنین اهل یقین هرگاه به آفرینش آسمان ها و زمین نگاه عمیق کنند، ربوبیت الهی را درک می کنند.

6- جوسازی، حقپوشی و حرف منطقی دیگران را قطع کردن، ابزار کار طاغوت هاست. اَلَا تَسْتَمْعُونَ (مناظره ی موسی و فرعون علنی بود).

7- ربوبیت خداوند نسبت به انسان های موجود، انسان های گذشته و آسمان و زمین یکسان است. رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... رَبِّكُمْ وَرَبِّ آبَائِكُمْ... (تدبیر و نظارت و مدیریت خداوند بر آیات آفاقی (آسمان ها و زمین)، و آیات انفسی (انسان ها) یکسان است).

27 - قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ

28- قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

ترجمه:

(فرعون) گفت: قطعاً پیامبرتان که به سوی شما فرستاده شده، سخت دیوانه است. (موسی) گفت: (او) پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن دو است می باشد، اگر تعقل کنید.

29 - قَالَ لئن اتَّخَذتِ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ

30 - قَالَ أءَوْلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ

ترجمه:

(فرعون) گفت: (ای موسی!) اگر معبودی غیر از من برگزینی قطعاً تو را از زندانیان قرار خواهم داد. (موسی) گفت: (حتی) اگر نشانه‌ی آشکاری برایت بیاورم (که رسالت مرا اثبات کند)؟

31 - قَالَ فَأَتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

ترجمه:

(فرعون) گفت: اگر راست می‌گویی آن نشانه را بیاور.

نکته‌ها:

در آیه‌ی 27 می‌بینیم که فرعون برای جبران حقارت خود، سخت‌ترین لحن‌ها را با زشت‌ترین نسبت‌ها در مورد موسی به کار برد. در ادبیات عرب برای تاءکید یک مطلب از حروف و کلماتی استفاده می‌کنند، کلمه‌ی **إِنَّ** و حرف لام در کلمه‌ی **لَمَجْنُونٍ** و جمله‌ی اسمیه آوردن، نشانه‌ی تاءکید بر نسبت ناروای اوست.

پیام‌ها:

1- طاغوت‌ها هنگام روبرو شدن با حقّ طفره می‌روند. (هر بار که موسی استدلال و بیانی داشت، فرعون به جای پاسخ دادن به موسی، چون نگران از دست دادن مردم بود، با آنان حرف می‌زد.) **قَالَ لَمَنْ حَوْلَهُ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ**

- 2- مستکبر هرگز حق را نمی پذیرد و خود را از مردم جدا می داند.
رسولکم ارسل الیکم یعنی پیامبر شما، نه من.
- 3- از قوی ترین حربه های مخالفان انبیا، نسبت ناروای جنون است. **لمجنون**
آری کسی که از استدلال عاجز باشد، دست به تهمت و ناسزاگویی می زند.
- 4- از هماهنگی قوانین و نظام ثابتی که بر زمین و آسمان، مشرق و مغرب و
بر همه ی موجودات جهان حاکم است، می فهمیم که جهان هستی با مدیریت
واحدی اداره می شود. **ربّ المشرق والمغرب...**
- 5- مبلّغ و مربّی نباید از بحث خسته شود، باید استدلال خود را تکرار کند و
سعه ی صدر داشته باشد. **ربّ السموات والارض، ربّکم و ربّ آبائکم، ربّ**
المشرق والمغرب
- 6- تهمت ها، اولیای خدا را از هدف ها منحرف نمی کند. **رسولکم... لمجنون**
قال ربّ المشرق والمغرب
- 7- رسیدن به توحید، به تعقل نیاز دارد. (کفر و شرک، محصول بی عقلی
است). **ان کنتم تعقلون** (اندیشیدن مردم، بزرگ ترین خطر برای مستکبران است).
- 8- انبیا مؤدّب سخن می گویند. (فرعون به موسی **عَلَيْهِ السَّلَامُ** گفت: **لمجنون، امّا**
موسی گفت: **اگر بیاندیشید سخن مرا می فهمید**). **ان کنتم تعقلون**
- 9- تهدید، حربه ی دیگر طاغوت هاست. **لا جعلنک من المسجونین** (رهبران
دینی باید آماده ی سختی ها باشند).
- 10- در نظام طاغوتی، خفقان و خشونت حاکم است و افراد زیادی در
زندان به سر می برند. **من المسجونین**
- 11- آن جا که منطق تاءثیر نکرد، معجزه لازم است. **بشیء مبین**

12- آمادگی قلبی، شرط موفقیت و پیروزی بر دشمن است. موسی می دانست که عصا را اژدها می کند و کف دستش نورانی می شود، لذا با قدرت

گفت: **جئتک بشیء مبین**

13- معجزه ی انبیا حقیقت دارد و مردم به خوبی درک می کنند. **مبین**

32 - فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

ترجمه:

پس عصای خود را بیفکند، پس ناگهان آن عصا اژدهایی آشکار شد.

33 - وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظَرِ

ترجمه:

و دست خود را (از گریبانش) بیرون آورد، پس ناگهان آن دست برای تماشاگران سفید و درخشان نمود.

نکته ها:

مراد از کلمه ی نَزَعَ در اینجا، بیرون آوردن دست از جیب و گریبان است.

اژدها شدن عصا، ده مرتبه ونورانی شدن دست موسی **عَلَيْهِ السَّلَامُ**، پنج مرتبه در قرآن آمده است.

در اولین مرحله ای که موسی عصا را رها کرد به صورت مار کوچکی درآمد، چنانکه در سوره نمل آیه ی 10 آمده: **جَانٌّ وَلِيٌّ مُّدْبِرًا**، ولی در برابر طاغوت گردنکش، به صورت اژدها در آمد و این شاید به خاطر آن باشد که برای هر مخاطبی باید حرفی زد و عملی انجام داد.

پیام ها:

- 1- معجزات انبیا چون وابسته به قدرت الهی است، نیاز به تمرین ندارد و لازم نیست تدریجی باشد. **فاذا هی** (یعنی عصا ناگهان مار شد)
- 2- در برابر افراد سرکش باید کاری چشمگیر و کوبنده انجام داد. **تُعبان مبین**
- 3- معجزات انبیا روشن و روشنگر است، نه وهم و خیال. **مبین**
- 4- در کنار معجزه ای دلهره آور، دست سفید و نورانی، رمز صفا و محبت است. **تُعبان بیضاء**
- 5- برای تاءثیر کلام حق، از همه ی شیوه های صحیح بیم و امید استفاده کنید. **تُعبان بیضاء**

34 - قَالَ لِلْمَلَأِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ

35- يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

ترجمه:

(فرعون) به اشرافیان اطرافش گفت: واقعا این مرد، ساحری کاردان است. او می خواهد با سحرش شما را از سرزمینتان آواره کند، پس چه راءی و دستور می دهید؟

36 - قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

37 - يَا تُوَكُّ يَا بَكْلٌ سِحَارٍ عَلِيمٍ

ترجمه:

گفتند: به موسی و برادرش فرصت بده و در تمام شهرها افرادی را برای گردآوری (ساحران) اعزام کن. تا هر ساحر ماهری را نزد تو بیاورند.

38- فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

ترجمه:

پس ساحران در موعدِ روزی معلوم، گردآوری شدند.

39 - وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ آتَتْكُمْ مُّجْتَمِعُونَ

ترجمه:

و به مردم گفته شد: آیا شما نیز جمع می شوید؟

نکته ها:

فرعون با موسی چند نوع برخورد کرد:

الف: تحقیر: اءلم نربک فینا ولیدا آیا ما تو را بزرگ نکردیم.

ب: استهزا: لمجنون تو دیوانه هستی.

ج: تهدید: من المسجونین تورا زندانی می کنم.

د: تهمت سحر: لساحر علیم تو ساحر هستی.

ه: تهمت توطئه: یرید اءن یخرجکم تو قصد شورش داری.

در آیات مربوط به گفتگوی موسی با فرعون، حرفی از هارون نیست و این

به خاطر آن است که موضع رسمی باید از طرف رهبر تعیین شود.

مراد از جمله فمادا تاءمرون، فرمان مشورتی است. چون مشاوران نظر خود

را در قالب امر و فرمان می گفتند. مانند: اءرجه واءخاه به موسی و برادرش

فرصت بده و به زندان نیفکن.

حضرت موسی و فرعون در مورد زمان و مکان مراسم مقابله ی ساحران با

موسی، با یکدیگر به توافق رسیدند. لمیقات یوم معلوم

از مردم خواسته شد تا در مکان و زمان موعود حاضر شوند، زیرا این حضور و اجتماع باعث می شد تا موسی و هارون احساس تنهایی کنند و ساحران نیرو گیرند و غوغاسالاری تبلیغاتی به راه اندازند. اطرافیان بی اراده و متملق، حتی در کلمات تقلید می کنند. جمله های لساحر علیم و **یرید ان یخرجکم من ارضکم** در این دو آیه از زبان فرعون است، ولی در سوره ی اعراف آیات 109 و 110، همین کلمات از زبان اطرافیان اوست و حتی حرفی کم و زیاد نکرده اند.

پیام ها:

- 1- طاغوت ها تبلیغات شیطانی خود را با تءکید و قاطعیّت بیان می کنند. **انّ هذا لساحر علیم (انّ، حرف لام و جمله ی اسمیّه همه نشانه ی تءکید است).**
- 2- فرعون برای آن که ساحران را در مبارزه با موسی تشویق و تحریک کند، از موسی به عنوان **ساحر علیم** یاد کرد. **لساحرعلیم**
- 3- دروغگو کم حافظه است. فرعونییانی که به موسی نسبت جنون می دادند؛ **لمجنون** اکنون او را ساحری ماهر و آگاه می خوانند: **لساحر علیم**
- 4- وطن دوستی و انگیزه ی مالکیّت، از غرائز انسان هاست و فرعون برای تحریک مردم علیه موسی این دو سوژه را بهانه قرار داد و گفت: او شما را آواره و مالکیّت شما را لغو خواهد کرد. **یخرجکم من ارضکم**
- 5- دروغ، تزویر و عوام فریبی، شیوه ی طاغوت است. (کلمه ی **ارضکم**، برای عوام فریبی و کلمه ی **بسحره** دروغی واضح بود).
- 6- طاغوت ها هنگام قدرت و تسلّط، همه چیز را از آن خود می دانند، **اءلیس لی ملک مصر⁽¹²⁾ ولی هنگام احساس خطر مردم را به صحنه می کشند.**
ارضکم

7- طاغوت ها به زیردستان خود نیازمندند و از آنها راه و چاره می طلبند.
فماذا تاءمرون فرعونى که به موسى می گوید: اگر معبودى غير از من بگیری تو
را زندان می کنم، امروز محتاج اطرافیان است.

8- زمان فرعون، دوران رواج سحر و جادو بوده است. سحرّارِ علیم

9- اگر متخصصین، متعهد نباشند در خدمت فرعون ها در می آیند. یاءتوک
10- همایش و سمینار کارشناسان، سابقه ی طولانی دارد. یاءتوک بکلّ

سحرّارِ علیم

11- طاغوت ها برای رسیدن به اهداف خود، از کارشناسان سوء استفاده می
کنند ما چرا استفاده ی خوب نکنیم؟ یاءتوک بکلّ سحرّارِ علیم

12- فرعون تمام توان خود را بکار گرفت. بکلّ سحرّار

13- زمان و مکان در حرکات تبلیغی مؤثر است. یوم معلوم

14- برای طاغوت ها جلب افکار عمومی و حضور مردم در صحنه مهم

است. هل انتم مجتمعون

40 - لَعَلْنَا نَتَّبِعُ السَّحْرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

41 - فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَيْنَ لَنَا لِأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ

الْغَالِبِينَ

ترجمه:

به این امید که اگر ساحران غالب شدند از آنان پیروی کنیم. پس همین که
ساحران (از شهرها به نزد فرعون) آمدند به او گفتند: آیا اگر ما پیروز شویم
پاداشی داریم؟

42 - قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقْرَبِينَ

ترجمه:

فرعون گفت: آری، در این صورت (علاوه بر پاداش) حتما شما از مقربان دربار خواهید بود.

نکته ها:

موسی و هارون چون ایمان داشتند در یک طرف ایستادند و آرامش داشتند، اما فرعون و همه ی اشراف و ساحران در طرف دیگر قرار گرفتند و دلهره داشتند و این جاست که نقش ایمان و قدرت آن روشن می شود. از سؤال ساحران که پرسیدند: **أَيْنَ لَنَا لِاجْرَاءِ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ** تردید آنان استفاده می شود و از تشویق و جایزه بزرگ فرعون ؛ **قَالَ نَعَمْ أَنْكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقْرَبِينَ** دلهره ی او استفاده می شود.

شاید شرط گرفتن مزد، نشانه ی تنگ نظری، بخل و خسیس بودن فرعون باشد، زیرا معمولا مردم با افراد سخاوتمند و دست و دل باز شرط پول نمی گذارند، زیرا می دانند که او خود با معرفت و سخاوتی که دارد همه چیز را در نظر می گیرد.

پیام ها:

1- فرعون ادعای خدایی داشت، اما با معجزه ی حضرت موسی کار به جایی رسید که همه تابع ساحران شدند و حرف اوّل و آخر را حرف ساحران غالب دانستند. **لَعَلَّنَا تَتَّبِعَ السَّحْرَةَ**

2- فرعون با دیدن معجزه ی موسی، به پیروزی ساحران اطمینان نداشت. **ان كانوا هم الغالبين** (آن حرف شرط و نشانه ی شک است)

3- افراد مادی حتی در مسایل عقیدتی هم حرف پول می زنند. فلما جاء

السحرة قالوا لفرعون اءئن لنا لاجراً

4- ساحران به فکر خودشان هستند که مزدی بگیرند و کاری به حق و باطل

بودن آن ندارند. اءئن لنا لاجرا شعار انبیا در تمام کارهایشان ما اسئلكم عليه من

ءاجر⁽¹³⁾ بود، ولی ساحران حتی برای یک حرکت توقع اجر داشتند. لنا لاجراً

5- انسانی که خدایی نیست، به درهم فرعون چشم دارد؛ لنا لاجراً ولی همین

که خدایی شد، تمام هستی نزد او کوچک است و جانش را به راحتی فدا می

کند. چنانکه در آیه ی 50 می خوانیم: لا ضیر انا الی ربنا لمنقلبون

6- گاهی مقام و اعتبار از مال مهم تر است. انکم اذا لمن المقربین

43 - قَالَ لَهُمْ مُوسَى اءْتَقُوا مَا آءْتَمُّ مَلْقُونَ

ترجمه:

(روز موعود فرا رسید و همه ی ساحران جمع شدند، موسی به آنان گفت:

ببفکنید آنچه را می خواهید ببفکنید.

44 - فاءْتَقُوا حِبَالَهُمْ وَ عَصِيَّهُمْ وَ قَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ اِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ

ترجمه:

پس (ساحران) ریسمان ها و عصاهای خود را (به زمین) افکندند و گفتند: به

عزت فرعون سوگند که قطعاً ما پیروزیم.

پیام ها:

1- مردان خدا به غلبه ی حق و پوچی سحر ایمان داشته و از موضع قدرت

و با آرامش سخن می گویند، نه از روی ضعف و ترس. اَلْقُوا مَا اَنْتُمْ مُلْقُونَ

2- به مخالفان فرصت دهید تا در راه عقیده و هدف خود تلاش و حرکت

کنند، اَلْقُوا مَا اَنْتُمْ، آنگاه محکم و منطقی پاسخ آنان را بدهید.

3- کافر از درون متزلزل است و در ظاهر شعار می دهد. ساحران در پیروزی خود شک داشتند و در آیات قبل می گفتند: **إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ** ولی در حضور فرعون، با خودشیرینی و تملق گفتند: **بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ** و به پیروزی تظاهر می کردند و به اصطلاح جنگ روانی راه می انداختند. **أَنَا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ**

45- **فَاءَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ**

46 - **فَاءَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ**

ترجمه:

سپس موسی عصایش را افکند، پس ناگهان (اژدهایی شد و) هر چه را به نیرنگ ساخته بودند بلعید. آنگاه ساحران بی اختیار به سجده درافتادند.

47 - **قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ**

48- **رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ**

ترجمه:

گفتند: ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. پروردگار موسی و هارون.

نکته ها:

ساحران همین که اژدها شدن عصا را دیدند فوراً ایمان آوردند. در روایات آمده است: هنگامی که امام زمان عجل الله فرجه نیز ظهور کند، متخصصان شرق و غرب به حضرت ایمان خواهند آورد، چون آنان عظمت کار را بهتر از دیگران درک خواهند کرد.

پیام ها:

1- معجزه امری سریع و برق آساست، نه تدریجی و تمرینی. **فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ**

2- باطل، در برابر حق تاب مقاومت ندارد. **تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ**

3- سحر و جادو یک دروغ عملی و به دور از حقیقت است. (باء فکون از اِفک به معنای ساختگی و دروغ است)

4- افراد آماده، در برابر حقّ طفره نمی روند و تسلیم می شوند. فُلُقَى

5- قدرِ زرِ زرگر شناسد، قدرِ گوهرِ گوهری. (ساحرانی که کارشناس بودند معجزه را از سحر بازشناختند و چنان تحت تاءثیر قرار گرفتند که بی اراده به سجده افتادند، با اینکه فرعونیان نیز حضور داشتند، ولی ایمان نیاوردند). فُلُقَى

السحرة

6- از امتیازات انسان، قدرت تغییر موضع فکری در یک لحظه است. فُلُقَى

7- سجده، مظهر حقپرستی و تسلیم است که در طول تاریخ سابقه داشته

است. ساجدین

8- تمام هستی، تحت تدبیر خداوند در یک حرکت تکاملی است. ربّ

العالمین

9- جلو سوء استفاده را باید گرفت. برای این که فرعونیان، ربّ العالمین را

به معنای انحرافی تفسیر نکنند، ساحران گفتند: ربّ موسی و هارون

10- ساحران، به اصول دین اقرار کردند، توحید: آمنا ربّ العالمین نبوت:

ربّ موسی و هارون معاد: انا الی ربّنا منقلبون

49 - قَالَ ءَامَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ ءَاَنْ ءَاَذْنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ
السَّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَاقْطَعَنَّ ءَاَيْدِيَكُمْ وءَاَرْجُلَكُمْ مِّنْ خَلْفٍ وَّ
لَأُصَلِّبَنَّكُمْ ءَاَجْمَعِينَ

ترجمه:

فرعون (که به خشم آمده بود) گفت: آیا قبل از آن که به شما اجازه دهم به او
ایمان آوردید؟ بی شک او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است. پس به
زودی کیفر خود را خواهید دانست. حتماً دست ها و پاهایتان را از چپ و راست
قطع خواهم کرد، و همگی شما را به دار خواهم آویخت.

50 - قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

ترجمه:

ساحران گفتند: باکی نیست، ما به سوی پروردگار خود بازمی گردیم.

51 - إِنَّا نَطْمَعُ ءَاَنْ يَّعْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا ءَاَنْ كُنَّا ءَاَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

ترجمه:

ما امید داریم که پروردگارمان خطاهای ما را ببخشد، چرا که ما نخستین
ایمان آورندگان هستیم.

نکته ها:

همین که ساحران معجزه ی موسی را دیدند، به خاک افتادند و سجده کردند،
در این جا فرعون برای عوام فریبی به تحلیلی دست زد و گفت: این یک توطئه
ی از پیش ساخته است، شما شاگرد موسی بوده اید و این خیمه شب بازی را
برای سقوط من به راه انداخته اید. غافل از آن که ساحران در کشور پراکنده

بودند و دستشان به موسی نمی رسید تا شاگردش باشند، علاوه بر این که آنان به عزت فرعون سوگند پیروزی خورده بودند.

در بعضی تفاسیر می خوانیم: فرعون دست و پای ساحران را قطع کرد و به درختان خرماي بلند آویخت و حضرت موسی بر آنان می گریست.

پیام ها:

- 1- در نظام طاغوتی، مردم آزادی عقیده ندارند. **آمتّم له قبل أن آذن لكم**
- 2- طاغوت ها می خواهند حتی بر افکار مردم مسلط باشند. **قبل أن آذن لكم**

لکم

- 3- دروغگو کم حافظه است. **لمجنون علمکم السحر**
- 4- بدترین شکنجه ای که قدرت، کارایی و توازن انسان را می گیرد، قطع دست و پا از چپ و راست است. **من خلاف**
- 5- به طاغوت ها اطمینان نکنید، آنان همه را برای خودشان می خواهند. (فرعون ساعتی پیش وعده داده بود که شما از مقرّبین خواهید بود و اکنون همه را به قتل تهدید می کند). **لأصلبکم**
- 6- یکی از آثار ایمان به معاد، شجاعت در برابر طاغوت هاست. **لا ضیر لنا**
- 7- ایمان به معاد، افق روشن برای آینده است. **أنا الی ربنا منقلبون**
- 8- شهادت در راه خدا، ضرر و هلاکت نیست. **لا ضیر لنا**
- 9- کسی که ایمانش بر اساس شناخت باشد، متزلزل نمی شود. **لا ضیر لنا** (ساحران که معجزه را شناختند، در برابر تهدیدات فرعون استقامت کردند).
- 10- هم سحر گناه است و هم در استخدام فرعون ها درآمدن. **خطایانا**
- 11- طمع در مادیات، منفی ولی در معنویات، مثبت است. **نطمع أن یغفر لنا**
- 12- بخشش، از شئون ربوبیت الهی است. **یغفر لنا ربنا**

13- آرزوی عفو باید با بازگشت واقعی همراه باشد. **أَمَّا نَطْمَعُ**

14- سابقه و پیشگامی در ایمان، یک فضیلت است. **أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ**

15- حسن عاقبت، بزرگ ترین سعادت است. کسانی که تمام عمرشان در انحراف بودند، با جرّقه ای در یک لحظه دگرگون شده **أَنَا إِلَى رَبِّنا مَنقَلِبُونَ** و از اوّلین مؤمنان شدند. **كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ**

16- توطئه، توطئه گر را رسوا می کند. (فرعون با سرمایه گذاری بسیار، ساحران را دعوت کرد تا موسی را رسوا کنند، ولی با ایمان آوردن ساحران، فرعون خود رسوا شد). **كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ**

52 - **وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْغُرُوبَ أَفَرَأَيْتَ إِذْ يَخِرُّونَ**

ترجمه:

و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه (از مصر) کوچ ده، زیرا شما تعقیب خواهید شد.

53 - **فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ**

ترجمه:

پس فرعون (از این حرکت آگاه شد و) به شهرها مأمور فرستاد تا مردم را گردآورند.

نکته ها:

کار حضرت موسی به سه بخش تقسیم می شود:

بخش اوّل، دعوت فرعون و اظهار معجزه بود.

بخش دوّم، گرویدن ساحران به او و فراز و نشیب های گوناگون بود.

بخش سوّم، حرکت دادن طرفداران و مؤمنین و تعقیب آنها از سوی فرعون و

کفّار بود که به عبور مؤمنین از دریا و غرق شدن کفّار انجامید.

در کلمه ی حشر، معنای برانگیختن و سوق دادن و جمع کردن نهفته است. بنی اسرائیل برای فرعونیان منافعی داشتند که فرعون از مهاجرت آنان جلوگیری می کرد و حضرت موسی مأمور شد تا شبانه آنها را از مصر کوچ دهد.

پیام ها:

- 1- بعد از نپذیرفتن استدلال، نوبت قهر الهی است که با فرمان کوچ دادن به موسی و تعقیب فرعونیان شروع و با غرق و هلاکت آنان خاتمه می یابد. و
- 2- اوحینا الی موسی آن اءسر
- 3- تمام حرکات انبیا حتی زمان هجرت، از طریق وحی بوده است. اوحینا...
- 4- برای مبارزه با فرعون، از تاریکی شب نیز استفاده کنید. اءسر
- 4- یا جامعه فاسد را اصلاح کنیم و یا از آن فاصله گرفته و هجرت کنیم.

اءسر

- 5- انبیا تنها پند و اندرز نمی دهند، ایجاد نهضت های بزرگ و رهبری آنها از کارهای دیگر آنان است. اءسر بعبادی
- 6- یکی از مراحل نهی از منکر، هجرت از جامعه ی فاسد است. اءسر

بعبادی

- 7- خداوند بندگان خود را از مهلکه نجات می دهد. اءسر بعبادی
- 8- طاغوت ها دست به شایعه پراکنی و تبلیغات منفی در شهرها می زنند.

فارسل فرعون فی المدائن حاشرین

54 - إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ

55- وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ

56 - وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَذِرُونَ

ترجمه:

(تبلیغات فرعونیان درباره ی موسی و یارانش این بود:) همانا اینها گروهی اندکند که نسبت به ما خشم و نفرت دارند، ولی ما همگی آماده ی دفاع هستیم.

57 - فَأَخْرَجْنَهُمْ مِّنْ جَنَّتٍ وَعَيْبُونَ

58- وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ

ترجمه:

لذا آنان را (به گمان تعقیب بنی اسرائیل)، از باغ ها و چشمه ها و گنج ها و جایگاه نیکو (و قصرهای مجلل)، بیرون کردیم.

59 - كَذَلِكَ وَاوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

60 - فَأَتَّبَعُوهُمْ مُّشْرِقِينَ

ترجمه:

(تدبیر ما) این چنین بود که (بعد از غرق کردن فرعونیان،) بنی اسرائیل را وارث آنها قرار دهیم. پس هنگام طلوع خورشید، سپاه فرعون به تعقیب آنان برخاستند.

نکته ها:

کلمه ی **شِرْذِمَةٌ** به معنای گروهی محدود است که از اصل جدا شده باشد. فرعون در تبلیغات خود، مخالفان را گروه کوچکی معرفی می کرد. اما در تفاسیر

از ابن عباس روایت کرده اند: افرادی که با حضرت موسی حرکت کردند حدود 600000 نفر بوده اند، و فرعون به این جمعیت زیاد می گوید: **إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ** (14)

کلمه ی **حاذرون** از **حذر** به معنای وسیله ی دفاعی است، بنابراین **إِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ** یعنی همه ی ما برای انتقام آماده و مسلح هستیم. **فرعونیان در تبلیغات، خود را گروهی متحد می دانستند، إِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ** ولی بنی اسرائیل را **قلیلون** می خواندند، نه **قلیله**، یعنی آنان گروه گروه بوده و با هم متحد و منسجم نیستند و ما خیلی زود آنها را قلع و قمع می کنیم. غافل از آنکه انسجام آنان به قدری است که با یک اشاره و فرمان حضرت موسی، همگی شبانه هجرت کردند.

پیام ها:

- 1- طاغوت ها حرکت های مردمی را ناچیز می انگارند. **لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ**
- 2- منحرف کردن افکار مردم، شیوه ای طاغوتی است. **لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ**
- 3- طاغوت ها بدانند که مورد تنفرند. **وَإِنَّهُمْ لَنَا لِعَائِظُونَ**
- 4- بغض و خشم نسبت به طاغوت ها و تبری از آنان، لازمه ی ایمان به خداست. **وَإِنَّهُمْ لَنَا لِعَائِظُونَ**
- 5- کاخ ها ابدی نیست، ظلم کلید زوال قدرت است. **فَاخْرَجْنَاهُمْ...**
- 6- فرعونیان در مصر دارای تمدن بودند. **وَكَنُوزٌ وَمَقَامٌ كَرِيمٌ**
- 7- یکی از سنت های الهی، جایگزین کردن مستضعفان به جای مستبکران است. **كَذَلِكَ وَوَرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ**
- 8- ثروت ها، کاخ ها و باغ های فرعونیان، به بنی اسرائیل رسید. **وَوَرَّثْنَا**

9- خروج فرعونیان به دنبال بنی اسرائیل، یک تدبیر الهی برای غرق شدن آنان بود. **فاخرجنا فاتبعوهم مشرقین**

61 - فَلَمَّا تَرَأَ الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ

ترجمه:

پس زمانی که دو گروه همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: (ما به دام افتادیم و) آنان به ما دست خواهند یافت.

62 - قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ

ترجمه:

موسی به آنان گفت: چنین نیست، قطعاً پروردگارم با من است و مرا هدایت خواهد کرد.

نکته ها:

تَرَأَى به معنای یکدیگر را دیدن و **جَمَعَانَ** به معنای دو گروه است. شاید آوردن **اصحاب موسی** به جای بنی اسرائیل، رمز آن باشد که حتی یاران نزدیک موسی از اینکه دریا در جلو و سپاه فرعون در تعقیب آنان هستند، دغدغه ها داشتند.

گرچه هر حرکت و قیام و تصمیمی، شناخت و بصیرت لازم دارد، ولی لازم نیست انسان در گام اول نسبت به تمام مراحل آگاهی داشته باشد. چنانکه حضرت موسی تا لحظه ای که دریا را در جلو و دشمن را پشت سر خود دید خبر از برنامه نداشت، اما ایمان به هدایت الهی همواره در او بود. و لذا فرمود:

إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ

پیام ها:

- 1- رهبران آسمانی، در بحران ها دلی آرام دارند و مایه ی آرامش دیگران نیز هستند. **كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي**
- 2- به وعده های الهی یقین داشته باشیم. (خداوند در آیه ی 15- این سوره به موسی فرمود: **أَنَا مَعَكُمْ مَسْتَمِعُونَ**، در این آیه موسی به مردم می گوید: خداوند وعده داد و او با ماست). **كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي**
- 3- هنگام برخورد با دشمن، (حتی زمانی که در یک طرف دریا و در طرف دیگر سپاه دشمن است)، مایوس نشوید و به خدا توکل کنید. **إِنَّ مَعِيَ رَبِّي**
- 4- پیامبران واسطه ی فیض و رحمت خداوند می باشند. **إِنَّ مَعِيَ رَبِّي**
سپه‌دین (با توجه به اینکه هدایت پیامبر، واسطه ای برای هدایت مردم است)
- 5- انبیا تحت حمایت ویژه ی خداوند هستند. **إِنَّ مَعِيَ رَبِّي**
- 6- هدایت از شئون ربوبیت است. **رَبِّي سِپَهْدِين**

63 - فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اصْرَبَ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ
كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ
64 - وَاَرْزَلْنَا ثَمَّ الْأَخْرِينَ

ترجمه:

پس (به دنبال این تلاقی)، به موسی وحی کردیم که عصایت را به دریا بزن. دریا شکافت و هر پاره ای مثل کوهی بزرگ گردید. آنگاه گروه دیگر (لشکر فرعون) را به آنجا نزدیک کردیم.

65- وَاَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ اَجْمَعِينَ

66 - ثُمَّ اَغْرَقْنَا الْاٰخِرِينَ

ترجمه:

و موسی و هرکه را با او بود، همگی را (از دریا عبور و) نجات دادیم. سپس گروه دیگر را غرق ساختیم.

67 - اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ

68- وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ

ترجمه:

البته در این ماجرا، (عبرت و) نشانه ی روشنی است و بیشتر آنان ایمان آورنده نبودند. و همانا پروردگارت شکست ناپذیر و مهربان است.

نکته ها:

کلمه ی **انفلاق** به معنای شکافته شدن، **فرق** به معنای قطعه و **طود** به معنای کوه می باشد. گویا در اثر شکافته شدن رود بزرگ نیل که همچون دریاست، آب در دو طرف خشکی ایجاد شده چنان روی هم انباشته شد که همانند دو کوه بلند گردید.

پیام ها:

- 1- کارهای انبیا با اراده ی پروردگار و وحی الهی است. **فاوحینا...**
- 2- خداوند کارهایی را به دست اولیای خود انجام می دهد تا مردم به آنان توجه کنند و از آنان اطاعت نمایند. **فاوحینا الی موسی اءن اضرب** (آری، طبیعت و مظاهر آن، با اراده ی خداوند در اختیار بندگان خاص و مقهور آنان است).

- 3- با اراده ی خداوند، یک عصا روزی ازدها می شود و سبب ترس دشمنان می گردد و یک روز کلید رحمت و باز شدن راه برای مؤمنان می شود.
- 4- با اراده ی خداوند، یک عصا گاهی سبب جوشیدن آب از زمین است: **إِضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ**⁽¹⁵⁾ و گاهی سبب خشک شدن دریا. **إِضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ**
- 5- همه ی هستی و فعل و انفعالات آن، با اراده ی خداوند است. **اءَوْحِينَا**
اءَزْلَفْنَاهُ نَجِينَا اءَغْرَقْنَا
- 6- نجات و رستگاری در سایه ی همراهی با انبیاست. **اءَنْجِينَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ**
- 7- خداوند یاران خود را در سخت ترین شرایط از بن بست نجات می دهد. **اءَنْجِينَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ**
- 8- شکافته شدن دریا و غرق شدن فرعونیان، نشانه ی قدرت و قهر الهی و مایه ی پند است. **إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً**
- 9- سنّت الهی در طول تاریخ، یاری حقّ و سرکوب باطل است. **لآيَةِ آرى**، نشانه و عبرت بودن یک حادثه، زمانی است که آن حادثه یا مشابه آن در طول تاریخ تکرار شدنی باشد.
- 10- خداوند با بیان تاریخ گذشتگان، به پیامبر اسلام دلداداری و درس صبر می دهد. **مَا كَانَ أَكْثَرَهُمْ مُؤْمِنِينَ**
- 11- پندپذیران کم هستند. **لآيَةِ وَمَا كَانَ أَكْثَرَهُمْ مُؤْمِنِينَ**
- 12- پیامبر اسلام تحت حمایت ویژه ی خداوند است. **رَبِّكَ** (خطاب به پیامبر است که همان گونه که ما مخالفان موسی را نابود کردیم، با همان عزّت و قدرت می توانیم مخالفان تو را نیز نابود کنیم).

13- کفر مردم، ضرری به عزت خداوند نمی زند. ما کان اکثرهم مؤمنین إنَّ

رَبِّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

14- مرّبی، هم باید قدرتمند باشد و هم مهربان. إنَّ رَبِّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

15- مهلتی که خداوند به کفار می دهد از ضعف و ناتوانی نیست، بر اساس

مهر و رحمت است تا شاید توبه کنند. الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

69 - وَآتَلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ

70 - إِذْ قَالَ لِأَيِّهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ

ترجمه:

(ای پیامبر!) سرگذشت ابراهیم را بر مردم بخوان. آن گاه که به پدرش

(عمویش آذر) و قومش گفت: شما چه می پرستید؟

71 - قَالُوا نَعْبُدُ آءِصْنَامًا فَنَنْظُلُّ لَهَا عَكَفِينَ

72 - قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ

73 - آءِ وَ يَنْفَعُونَكُمْ آءِ وَ يَضُرُّونَ

ترجمه:

گفتند: بت هایی را می پرستیم که همواره ملازم آنهاييم. ابراهيم گفت: آيا هر

گاه آنها را می خوانید (يا دعا می کنید) سخن شما را می شنوند؟ يا به شما سود

و زيانی می رسانند؟

74 - قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

75- قَالَ اَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

76 - اءَنْتُمْ وءِآبَاؤُكُمْ الْاِقْدَمُونَ

ترجمه:

بت پرستان گفتند: (نه) بلکه پدرانمان را یافتیم که این گونه (پرستش) می کردند. ابراهیم گفت: آیا در آنچه می پرستید اندیشه و نگاه (عمیق) کرده اید؟ شما و پدران پیشین شما (دقت کرده اید)؟

نکته ها:

بعد از حضرت موسی که نامش بیش از 130 مرتبه در قرآن آمده، نام حضرت ابراهیم، بیش از دیگر پیامبران در قرآن آمده است. بر اساس روایات مراد از کلمه ی اءَب در این آیه، آذر عموی ابراهیم است. زیرا امکان ندارد که پدر پیامبری همچون ابراهیم کافر باشد. از نظر لغت نیز به مرَبِّی و جدِّ و پدر زن نیز اءَب گفته می شود. در آیه 133 سوره بقره می خوانیم که فرزندان یعقوب به پدرشان گفتند: نَعْبُدُ الهک و اله آبائک ابراهیم و اسماعیل و اسحاق با اینکه یعقوب فرزند اسحاق است، در این آیه هم به جدِّ (ابراهیم) و هم به عمو (اسماعیل)، اءَب گفته است.

تقلید از اهل علم و دانشمندان، گاهی وسیله ی تکامل و رشد و ترقی است؛ فَسْئَلُوا اهل الذکر⁽¹⁶⁾ و فَبِهْدَاهم اقتده...⁽¹⁷⁾ ولی از عوام وسیله ی تحجّر و جمود است. اَنَا وَجَدْنَا آبَاءَنَا زیرا پایبندی بی چون و چرا به سنت ها و آداب ملّی و قومی، سبب تخدیر جامعه و سدّ راه فکر و نوآوری و مانع شناخت حقیقت است.

چون حضرت ابراهیم مورد ستایش همه ی گروه های یهودی و مسیحی است، بیان تاریخ او برای اهل کتاب زمان پیامبر و همچنین مسلمانان، درس آموز خواهد بود.

کلمه ی راءیتم از ریشه ی راءى و رؤیت است. بنابراین راءیتم هم شامل دیدن با چشم می شود و هم نگریستن با عقل.

پیام ها:

- 1- پیامبر اسلام مأمور حفظ تاریخ انبیای قبل از خود است. **واتلُ علیهم**
- 2- سرگذشت حضرت ابراهیم **علیه السلام** مهم و مفید است. (نباء، به خبر مهم گویند)
- 3- سنت ها و قوانین حاکم بر تاریخ، ثابت است. بنابراین تاریخ دیروز می تواند برای امروز درس باشد. **واتلُ علیهم نباء ابراهیم**
- 4- در نهی از منکر، از خودی ها شروع کنیم. **لا یبه**
- 5- در نهی از منکر، سن شرط نیست. **قال لایبه**
- 6- در نهی از منکر، قدرت شرط نیست. **قال لایبه و قومه** (با توجه به اینکه آن زمان حضرت ابراهیم در شرایطی بود که عمویش او را طرد کرد.)
- 7- در نهی از منکر، از تنهایی نترسید. **قال لایبه و قومه**
- 8- در دفاع از حق، مراعات فامیل را نکنید. **قال لایبه**
- 9- خداوند با بیان این که نزدیک ترین بستگان ابراهیم بت پرست بودند و از او اطاعت نکردند، پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله** را دلداری می دهد. **لا یبه و قومه نعبداصناما**
- 10- در شیوه ی تبلیغ، وجدان ها را با سؤال بیدار کنید. **ما تعبدون** (با آنکه ابراهیم **علیه السلام** می دید که آنها چه چیزهایی را می پرستند، ولی برای اینکه آنان را به تفکر وادار کند و وجدانشان را بیدار نماید، از آنان پرسش نمود.)

- 11- انسان، موجودی است پرستش گر، اگر حق را پرستش نکند به باطل رو خواهد کرد. **ما تَعْبُدُونَ نَعْبُدُ اصْنَامًا**
- 12- قرآن کریم در نقل تاریخ، نقاط حساس و سازنده را مطرح می کند. **ما تَعْبُدُونَ** (قرآن در مطالبی که از تاریخ نقل می کند، به تعداد و نام و زمان و مکان اشاره ندارد، بلکه پیام و محتوای عبرت انگیز را بیان می کند).
- 13- در نهی از منکر، از منکرات مهم شروع کنید. **ما تَعْبُدُونَ** (آری مهم ترین منکر، شرک به خداوند است).
- 14- هر عبادتی ارزش ندارد، نوع معبود و مقدار شعور مهم است. **نَعْبُدُ اصْنَامًا**
- 15- پرستش، یک خواست لحظه ای نیست، بلکه در عمق جان انسان ریشه دارد. **عَاكِفِينَ**
- 16- بدتر از انحراف، افتخار به انحراف است. **فَنظَلَّ لَهَا عَاكِفِينَ نَظْلًا** یعنی همیشه بت می پرستیم و **عَاكِفِينَ** یعنی بر پرستش آن ملازم هستیم).
- 17- استدلال و منطق، اولین گام تبلیغ است. **هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ**
- 18- انگیزه ی پرستش، یا خیررسانی است، یا دفع شر و بت ها هیچ یک را ندارند. **يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ**
- 19- با افراد عادی، استدلال روشن و قابل فهم داشته باشید. **هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ** اذ تدعون او **يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ**
- 20- در عقاید، تقلید ممنوع است. **وَجَدْنَا آبَائِنَا**
- 21- گاهی آداب و رسوم نیاکان، مانعی بر راه عقل و منطق است. **وَجَدْنَا آبَائِنَا**
- 22- سابقه، دلیل حَقَّائِبِت نیست. **وَجَدْنَا آبَائِنَا**

23- بت پرستان نیز بی اثر بودن بت ها را باور دارند، فقط گرفتار نیاکان

خود هستند. **بل وَجَدْنَا آبَائِنَا**

24- تعصب و قوم گرایی ممنوع است. **وَجَدْنَا آبَائِنَا**

25- جهل و ساده اندیشی، بستر و زمینه ی انحراف است. **اءفراءیتم ماکنتم**

تعبدون (شرک مبنای علمی و برهانی ندارد)

26- تدبّر و تعقل برای انسان، یک ضرورت است. **اءفراءیتم ماکنتم تعبدون**

27- مناظره، بحث و احتجاج، میان افکار گوناگون لازم است. **اءفراءیتم**

ماکنتم...

77 - **فَانَّهُمْ عَدُوٌّ لِّيْ اِلَّا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ**

ترجمه:

البته این بت ها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار جهانیان

(که محبوب من است).

78- **اءالذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ**

79 - **والذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ**

ترجمه:

همان پروردگاری که مرا آفرید و همو راهنماییم می کند. او که مرا (هنگام

گرسنگی) طعام می دهد و (هنگام تشنگی) سیرابم می نماید.

80 - **وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ**

81 - **والذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ**

ترجمه:

و هر گاه بیمار شوم، همو مرا شفا می بخشند. او کسی است که مرا می میراند، سپس زنده ام می کند.

82 - وَالَّذِي اِطْمَعُ اِنَّ يَغْفِرَ لِيْ خَطِيئَتِيْ يَوْمَ الدِّينِ

ترجمه:

او کسی است که امید دارم روز جزا خطاهای مرا ببخشد.

نکته ها:

جز خدایی که ربّ العالمین است، همه ی معبودها دشمن ما می شوند، زیرا بت ها در قیامت به سخن در آمده، علیه بت پرستان شکایت خواهند کرد. چنانکه قرآن می فرماید: **كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا**⁽¹⁸⁾ روز قیامت بت ها از بت پرستان تنفر می جویند و با آنان ضدّیت دارند و بدین وسیله عداوت آنها روشن می شود.⁽¹⁹⁾

خطای انبیا، ترک اولی است، و گرنه خداوند حضرت ابراهیم را با صفاتی مثل برگزیده ستایش نموده است. **اِنَّا اَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةِ ذِكْرِي الدَّارِ**⁽²⁰⁾

پیام ها:

1- معبودهای خیالی و دروغین، دشمنان اندیشه، سعادت و تکامل بشریت هستند. **عدوّ لی ...**

2- ابتدا باید به جهان و جهان آفرین توجه کرد و سپس توجه به خویشتن. **ربّ العالمین خلقنی**

3- در شیوه ی تبلیغ، گاهی لازم است خود را به جای دیگران قرار دهیم. **عدوّ لی و نفرمود: عدوّ لکم**

4- آفرینش انسان از بزرگ ترین الطاف الهی است. **الذی خلقنی**

5- کسی حقّ هدایت دارد که آفریده باشد. **خَلَقَنِي فَهوَ يَهْدِينِ** زیرا تدبیر و هدایت از آفرینش جدا نیست.

6- آفریدن و هدایت کردن، نشانه ی آن است که او ما را دوست دارد، نه بت ها. **عَدُوٌّ لِيَ الْآرَبِّ الْعَالَمِينَ الَّذِي خَلَقَنِي فَهوَ يَهْدِينِ**

7- هدایت، از شئون ربوبیت است. **رَبِّ الْعَالَمِينَ فَهوَ يَهْدِينِ**

8- نعمت هدایت (بعد از خلقت)، بزرگ ترین نعمت هاست. **خَلَقَنِي فَهوَ يَهْدِينِ**

9- آفریدن یک بار است، ولی هدایت در هر لحظه و همیشه است. (**خَلَقَنِي** به صورت ماضی و **يَهْدِينِ** به صورت مضارع و استمرار آمده است)

10- سیر شدن و سیراب شدن انسان، کار خداست. آب و نان وسیله است. **يُطْعِمَنِي وَ يَسْقِينِ**

11- توجه به نعمت های معنوی، بر توجه به نعمت های مادی مقدم است. ابتدا فرمود: **فَهوَ يَهْدِينِ...**، آنگاه فرمود: **يُطْعِمَنِي وَ يَسْقِينِ...**

12- در پیدایش بیماری، خود ما مقصریم. **مَرَضْتُ وَ نَفَرَمُودُ: اءَمْرَضَنِي**

13- شفا از خداست. دارو وسیله است و تاءثیر آن نیز به اراده اوست. **فَهوَ يَشْفِينِ**

14- شفاى روح و شفاى جسم در کنار هم لازم است. **فَهوَ يَهْدِينِ فَهوَ يَشْفِينِ**

15- در سخن و خطابه، آهنگین بودن کلمات یک ارزش است. **يَهْدِينِ**

يَسْقِينِ يَشْفِينِ يُحْيِينِ

16- در جهان بینی الهی، مرگ پایان کار نیست، یکی از مراحل زندگی است. **يُمِيتَنِي ثُمَّ يُحْيِينِ**

17- همه کاره ی هستی خداست. (توحید افعالی) **يَهْدِين يَسْقِين يَشْفِين**

يُحْيِين

18- مرگ نیز نعمت است. **وَالَّذِي يُمِيتُنِي...** مرگ در ردیف نعمت ها آمده

است.

19- هر کجا زمینه شرک وجود دارد، شرک زدایی لازم است. (در نعمت

هدایت، اطعام و شفا، سه بار کلمه ی **هو** به کار رفته است، ولی در خلقت و مرگ و حیات، این کلمه به کار نرفته، شاید به این خاطر که خلقت و مرگ را همه به خدا نسبت می دهند و جای شرک نیست، ولی ارشاد و اطعام و شفا به مردم، دارو، پزشک و غذا نسبت داده می شود. لذا قرآن برای زنده نگاه داشتن روحیه توحید، کلمه ی **هو** را بکار برد، یعنی همه ی کارها بدست اوست).

20- یکی از فلسفه های عبادت، تشکر از خداوند است. (ابراهیم به عمو و

قوم خود فرمود: **ما تعبدون** چه چیزی را می پرستید؟ گفتند: بت. حضرت ابراهیم در این آیات، فلسفه ی عبادت خدا را بیان می کند). **خَلَقْنِي يَهْدِين**

يُطْعَمَنِي يَسْقِين يَشْفِين يُمِيتُنِي وَ يُحْيِين

21- هیچ کس از الطاف الهی بی نیاز نیست. **اطمع ان يغفر...** در جایی که

حضرت ابراهیم خلیل الله خود را نیازمند مغفرت الهی بداند، تکلیف ما روشن است.

22- عفو الهی، فضل اوست نه استحقاق ما. **اطمع آری**، به اعمال خود تکیه

نکنیم، زیرا ابراهیم نیز به عفو الهی چشم دوخته، نه پاداش کار خود.

23- امید و رجا، یک ارزش است. **اطمع**

24- ربوبیت خداوند سبب دل بستگی به عفو و مغفرت اوست. **رب العالمین...**

اطمع ان يغفر لي

25- طلب مغفرت، شیوه ی انبیاست. **يَغْفِرُ لِي**

26- اگر لطف خاصّ او نباشد، انسان در هر مرحله ای باشد جایز الخطا

است. **خَطِيئَتِي**

27- جلوه ی مبدء و معاد در کلام انبیا آشکار است. **خَلَقْنِي ... يَوْمَ الدِّينِ**

28- نیازهای مادّی و معنوی انسان از آغاز تا پایان زندگی، به دست

خداوند است. **خَلَقْنِي ... يَوْمَ الدِّينِ**

83 - رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَاِءْلِحِقْنِي بِالصّٰلِحِيْنَ

ترجمه:

(ابراهیم در ادامه ی سخن خود گفت:) پروردگارا! به من حکمت و دانش

مرحمت فرما و مرا به صالحان ملحق کن!

نکته ها:

کلمه ی حُكْم می تواند به معنای حکومت و سرپرستی و تدبیر امور باشد و

یا به معنای دانش و معرفت. **الْبَتَّةَ حُكْم** معنایی برتر از حکمت دارد، زیرا

حکمت تنها قدرت تشخیص حقّ از باطل است و حُكْم آگاهی همراه با آمادگی

برای اجرای حقّ است. ⁽²¹⁾

سعادت انسان در چند جمله خلاصه می شود که در دعای حضرت ابراهیم

آمده است:

الف: شناخت خداوند و معرفت درونی نسبت به او. **هَبْ لِي حُكْمًا**

ب: حضور در جامعه ی صالح. **اَلْحِقْنِي بِالصّٰلِحِيْنَ**

ج: نام نیک در تاریخ. **لِسَانٍ صِدْقٍ فِي الْاٰخِرِيْنَ**

د: رسیدن به بهشت ابدی. **وَرِثَةِ جَنَّةِ النَّعِيْمِ**

پیام ها:

- 1- انسان برای رسیدن به کمالات باید از خداوند استمداد کند. رَبِّهَبْ لِي ...
- 2- استمداد از نام رَبِّ، در استجاب دعا مؤثر است. رَبِّ
- 3- حکمت و بینش همراه با عمل، هدیه ی الهی است. هَبْ لِي حُكْمًا
- 4- قبل از درخواست جدید از خداوند، از نعمت های قبلی نامی ببرید و از او تشکر کنید. خَلَقْنِي يَهْدِينِ يَشْفِينِ يَسْقِينِ و... رَبِّ هَبْ لِي
- 5- اگر حکمت باشد، ولی دوستان انسان نااهل باشند، حکمت کارایی ندارد.
هَبْ لِي حُكْمًا و اءِلْحَقْنِي
- 6- اگر دید و بینش و تفکر صحیح بود، رفتار و گفتار و نیت هم صحیح می شود. (حکمت به معنای دید و فهم و نظر صحیح است). حُكْمًا
- 7- حکمت نظری، به تنهایی مفید و نجات بخش نیست. حکمت باید با عمل همراه باشد. هَبْ لِي حُكْمًا و اءِلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ
- 8- برخورداری از حکمت و معرفت در درون و زندگی در جامعه ی صالحان و صالح بودن، بالاترین درجه ی سعادت است. حُكْمًا و اءِلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ
- 9- حکمت و شناخت و بینش، بر عمل مقدم است. هَبْ لِي حُكْمًا و اءِلْحَقْنِي

10- بهترین دعا را از بهترین افراد بیاموزیم. (بهترین افراد، انبیا هستند و یکی از بزرگ ترین انبیا حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام است که در دعا از خداوند مغفرت، حکمت، نام نیک و حسن عاقبت می خواهد و در آیات دیگر از خداوند، فرزندان خوب و پیروان مسلمان درخواست می کند).

11- حکومت خواهی برای انجام احکام الهی، مطلوب است. **هَبْ لِي**

حُكْمًا (22)

12- هم انزوا ممنوع است و هم جذب ناهلان شدن. **اءَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ**

13- پیش کسوتان صالح را ارج نهمیم. **اءَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ** (نفرمود: از صالحین باشم، بلکه فرمود: به آنان ملحق شوم. زیرا مقام سابقین برتر است).

14- جامعه ای ارزش دارد که افرادش صالح باشند. **اءَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ**

15- انسان به رفیق خوب محتاج است. **و اءَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ**

84 - **وَاجْعَلْ لِّي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ**

ترجمه:

و در میان آیندگان نام نیکی برای من قرار بده.

85- **وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ**

ترجمه:

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده.

نکته ها:

در آیه ی 108- سوره ی صافات که ماجرای ذبح اسماعیل مطرح شده است می فرماید: **وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ** یعنی قربانی در مراسم حج را یک سنت واجب قرار دادیم و به خاطر تسلیم بودن ابراهیم، نام نیک برای او به جای

گذاشتیم و این گونه دعایش را که می گفت: **واجعل لی لسان صدق فی الاخرین**، مستجاب کردیم.

در آیه ی 50 سوره ی مریم نیز به دنبال نام حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب می فرماید: **وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا** ما نام بلند و نیکو برای آنان قرار دادیم

حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: نام نیک، از دارایی و سرمایه بهتر است. ⁽²³⁾
در روایات از لسان صدق و یادگار نیک، به وجود مبارک حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی عَلَيْهِ السَّلَام تعبیر شده است. ⁽²⁴⁾ **بعضی سخن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را که فرمود:**
اَنَا دَعْوَةُ اَبِي اِبْرَاهِيمِ یعنی من اثر دعای پدرم ابراهیم هستم. دلیل این نکته دانسته اند. بنابراین مراد از لسان صدق در آیندگان، انبیایی از نسل او هستند که مکتب توحیدی را زنده نگاه داشته اند و این آرزو با مقام پیامبری همچون ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام، تناسب بیشتری دارد.

در روایات می خوانیم: هر گاه انسان از دنیا رفت، پرونده ی اعمالش بسته می شود مگر کسی که صدقه ی جاریه ای به جای گذاشته باشد. مانند: وقف یا کتاب مفیدی که از او به جای مانده باشد و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند. ⁽²⁵⁾

در روایات آمده است: هر انسانی در بهشت و دوزخ جایگاهی دارد و هنگامی که وارد دوزخ شود، خانه ی بهشتی او را به دیگران می دهند و آنان وارث می شوند. ⁽²⁶⁾

پیام ها:

- 1- بقای نام مکتب و یادگار نیک را از او بخواهیم. **واجعل لی**
- 2- ستایشی ارزش دارد که صادقانه باشد، نه از روی تملق. **لسان صدق**

3- آیندگان را به حساب آوردید و قضاوت آیندگان را در نظر بگیرید. **لسان**

صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

4- اتفاق نظر یهود و نصارا و مسلمین بر عظمت ابراهیم، نمونه ی استجابات

دعای اوست. **لسان صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ**

5- انسان های بزرگ، هم محبوبیت دنیوی می خواهند و هم سعادت

اُخْرَوِي. **لسان صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ**

6- انسان، بعد از مرگ نیز از دعای خیر دیگران و سنت های حسنه ای که

بنا نهاده بهره مند می شود. **لسان صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ**

7- به طرح های کوتاه مدت قناعت نکنیم. **لسان صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ**

8- نعمت های بهشتی، در برابر اعمال ما موهبتی بی رنج است. **وَرِثَةُ جَنَّةٍ**

النَّعِيمِ زیرا ارث، به مالی گویند که بدون رنج و تلاش به دست آید.

86 - **وَاعْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ**

ترجمه:

(ابراهیم در ادامه ی دعاهایش گفت:) پدرم را ببخش که بی شک او از

گمراهان است.

87 - **وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ**

88- **يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ**

89 - **إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ**

ترجمه:

و روزی که همه مبعوث می شوند، مرا خوار مگردان. روزی که مال و فرزندان برای انسان نفعی ندارند. مگر کسی که با روح و قلب پاک به سوی خدا آید.

نکته ها:

مشهور آن است که مراد از پدر، عموی ابراهیم است و به گفته ی قرآن، مؤمن نباید در حق کافر دعا کند. بنابراین اگر حضرت ابراهیم برای عموی کافرش دعا کرد، به خاطر این بود که به او وعده ی دعا داده بود، زیرا هنوز به ایمان آوردن او امید داشت. **سَاءَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي** ⁽²⁷⁾ لکن همین که یقین کرد او ایمان نمی آورد، از عموی خود تبرّی جست. **و ما كان استغفار ابراهيم لابيه الاّ عن موعده و وعدّها اياه فلما تبين له انه عدو لله تبرّاه منه** ⁽²⁸⁾

روح پاک، روحی است که از وابستگی به دنیا و آلودگی به شرک، کفر، نفاق، تکبر و همه ی امراض قلبی پاک باشد و چون خداوند درباره ی منافقان می فرماید: **في قلوبهم مرض پس قلب سلیم، قلب مؤمن است.**

در حدیث می خوانیم: قلب سلیم، قلبی است که در آن شرک نباشد. ⁽²⁹⁾

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نمازش این دعا را می خواند: **اللهم لاتخزني يوم القيامة** پروردگارا! مرا در قیامت خوار و رسوا مکن. ⁽³⁰⁾

سؤال: در روایات می خوانیم: انفاق مال و صدقه ی جاریه و اولاد صالحی که برای والدین دعا کنند، برای قیامت انسان مفید هستند، پس رابطه ی آیه ی لا ینفع مال و لابنون با این روایات چیست؟

پاسخ: مراد این آیه، مال و فرزندی است که در خط الهی قرار نگیرند.

بنابراین دنیا مانند کلیدی است که با حرکتی درب را قفل و با حرکت دیگری درب را باز می کند. مال حلال در دست افراد صالح، سبب قرب و در دست ناهلان سبب گناه می شود.

مال را کز بهر دین باشی حَمُولِ نعم مالٌ صالحٌ گفت آن رسول
چیست دنیا از خدا غافل شدن نی قُمَاش و نقره و فرزند و زن
آب در کشتی هلاک کشتی است آب در بیرون کشتی، پستی است (31)

پیام ها:

1- محبّت و دعا درباره ی بستگان، همراه با نهی از منکر و انتقاد از اشتباهات آنان باشد. **قال لایبه و قومه ما تعبدون... واغفر لابی**

2- بند و بست های دنیوی در قیامت بی اثر است و جز قلب پاک، هیچ چیز کارایی ندارد. **خَطِیَّتِی یوم الدّین... قلب سلیم**

3- بیم و امید باید در کنار هم باشند. **أطمع اءن یغفر لی لا تُخزنی یوم بیعثن**

4- انسان در هر مرحله ای که باشد نباید از قیامت غافل باشد. **لا تُخزنی...**

5- در قیامت، دیگران نیز از عیوب ما آگاه می شوند. **لا تُخزنی** زیرا رسوایی در جایی است که دیگران از خصوصیات رفتار و افکار ما آگاه شوند.

6- خواری و رسوایی، از سخت ترین حالات در قیامت است. **لا تُخزنی**
حضرت ابراهیم از میان همه ی مشکلات روز قیامت، رسوا نشدن را مطرح می کند.

7- در قیامت، تحقیر و خواری و خزیان، بدتر از عذاب دوزخ است. **لا تُخزنی** در جای دیگر می خوانیم: **انک من تُدخل النار فقد أخزیته** (32)

8- آنچه در دنیا ارزش است، در آخرت بی ارزش می شود. **لا ینفع مال ولا بنون** مال جلوه ی مسائل مادی و **بنون** (فرزندان) جلوه ی مسائل عاطفی

است، یعنی در قیامت مال و فرزند و مقام و شهرت و مدرک و... نجاتبخش نیست.

90 - وَ اِزْلَفَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

91 - وَ بُرِّزَتْ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ

92 - وَقِيلَ لَهُمْ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

ترجمه:

و (آن روز) بهشت برای پرهیزکاران نزدیک گردد. و آتش برافروخته برای گمراهان نمودار شود. و به آنان گفته شود: کجاست آنچه می پرستیدید؟

93 - مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ اَوْ يَنْتَصِرُونَ

ترجمه:

به جای خداوند، آیا یاریتان می کنند یا از خود دفاع توانند کرد؟

94 - فَكُفُّوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ

95 - وَجُنُودُ إِبْلِيسَ اءَجْمَعُونَ

ترجمه:

پس همه ی معبودان و عابدان گمراه به دوزخ سرنگون شوند. و لشکریان ابلیس نیز همگی (به دوزخ افکنده شوند).

نکته ها:

اُزْلَفَتْ به معنای نزدیک شدن و بُرِّزَتْ از بروز، به معنای ظاهر شدن است. غاوین از غواء شرّ و جهلی را گویند که از فساد عقیده است. كُفُّوا به معنای از صورت به زمین خوردن و كُفُّوا یعنی پی در پی از صورت به زمین خوردن،

گویا دوزخیان پی در پی سقوط می کنند و به دوزخ می افتند، نظیر سنگی که از چند پله بیفتد، که در هر پله ای یک بار به زمین می خورد.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: کسانی که از عدل سخن می گویند، ولی در عمل عادل نیستند، مصداق این آیه هستند: **كُـبِـبُوا فِيهَا هـم وَالـغـاؤـون** ⁽³³⁾ صاحب تفسیر اطیب البیان، مراد از نزدیک شدن بهشت و نمودار شدن دوزخ را، باز شدن درب بهشت به قبر مؤمن و درب دوزخ به قبر کافر می داند.

پیام ها:

1- مقام مؤمن پرهیزکار، از بهشت بالاتر است. لذا بهشت را برای او حاضر می کنند. **أُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ** آری، کسی که در دنیا از گناه فاصله گرفت، در قیامت بهشت با آن عظمت را به استقبالش می آورند.

2- وعده ی خداوند بر وعید او مقدم است. **أُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ بُرْزَتِ الْجَحِيمِ**

3- دیدن دوزخ و وسیله های عذاب، خود نوعی شکنجه برای دوزخیان است. **بُرْزَتِ الْجَحِيمِ**

4- سرزنش، یکی از عذاب های روحی قیامت است. **قِيلَ لَهُمَ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ...**

5- اعتقادات انسان، در سرنوشت او نقش مهمی دارند. **قِيلَ لَهُمَ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ**

6- در قیامت، از عقاید و افکار سؤال می شود. **قِيلَ لَهُمَ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ**

7- روحیه ی پرستش، در همه ی انسان ها هست، گرچه در بعضی از آنان

به انحراف کشیده می شود. **اَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ**

8- هم معبودهای خیالی به دوزخ می روند وهم عابدهای گمراه. **هـم**

وَالـغـاؤـون

96 - قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ

97 - تَاللَّهِ إِن كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

ترجمه:

و آنان در دوزخ در حالی که با هم مشاجره می کنند، (به معبودهای خود) می گویند: به خدا سوگند که همانا ما در گمراهی آشکاری بودیم.

98- إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

99 - وَمَا آءَضَلْنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ

ترجمه:

چون شما (بت ها و معبودها) را با پروردگار جهانیان برابر می دانستیم. و جز تبهکاران، مارا گمراه نکردند.

نکته ها:

بر خلاف فضای بهشت که تمام آن سلیم و سلامت است، فضای دوزخ همیشه پراز ملامت، خصومت و لعنت است: نفرین رهروان به رهبران فاسد، ملامت گناهکاران نسبت به شیطان، تنفر معبودها از مشرکین و تبّری مجرمین از یکدیگر که درباره ی این موارد، آیات فراوانی در قرآن به چشم می خورد.

پیام ها:

1- در میان دوزخیان، جدال و جرّ و بحث و مخاصمه وجود دارد. (مشرکان با معبودهایشان همواره درگیرند). **یختصمون**

2- در قیامت، عشق های نامقدس و غیرالهی، به کینه تبدیل می شود. **یختصمون** در سوره زخرف آیه 67 می خوانیم: **الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ**
الْمُتَّقِينَ

- 3- در قیامت، وجدان‌ها بیدار می‌شوند. **ان کنا لفی ضلال**
- 4- هرکس و هر چیز را در کنار خدا قرار دهیم، شرک ورزیده ایم. **اذ نُسَوِّیْکُمْ** (به نام خدا و به نام خلق، مصداق **نُسَوِّیْکُمْ** بر برب العالمین است.
- 5- در قیامت، هر کسی تقصیر را به گردن دیگری می‌اندازد. **وما اضلّنا الاّ**

المجرمون

- 6- در قیامت مشرکان از رهبران خود شکایت دارند. **وما اضلّنا الاّ المجرمون**

100 - **فَمَا لَنَا مِنْ شَفِيعِينَ**

101 - **وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ**

ترجمه:

در نتیجه (امروز) برای ما نه شفیعیانی وجود دارد و نه حتی یک دوست

صمیمی.

102 - **فَلَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ**

ترجمه:

پس اگر برای ما بازگشتی (به دنیا) بود، از مؤمنان می‌شدیم.

103 - **اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰیةً وَّمَا كَانَ اَعْکَثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ**

104 - **وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ**

ترجمه:

حقاً که در این (سرگذشت) درس عبرت و نشانه‌ای است، ولی بیشترشان

ایمان آورنده نبودند. البته، پروردگار تو همان توانای مهربان است.

نکته ها:

در تفسیر مجمع البیان، روایاتی نقل شده که امامان معصوم علیهم السلام سوگند یاد کرده اند که شیعیان را شفاعت کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن در آن روز برای اهل بیت خود شفاعت می کند. (34)

امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم، روز قیامت ما شیعیان خود را چنان شفاعت کنیم که صدای منحرفان بلند شود: فما لنا من شافعين و لا صدیق حمیم (35)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در قیامت قرآن، فامیل مؤمن، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام شفاعت می کنند. (36)

پیام ها:

1- در قیامت شفاعت قطعی است، اما گروهی از جمله مشرکین از آن بهره مند نمی شوند. اذ نسوئکم رب العالمین... فما لنا من شافعين

2- دوستی با گنهکاران در دنیا، در قیامت حاصلی ندارد. و لا صدیق حمیم

3- انسان حتی در قیامت به دوست خوب نیازمند است. و لا صدیق حمیم

4- شرط دریافت شفاعت، ایمان است. فما لنا من شافعين فلو ان لنا کرّة

فنکون من المؤمنین

5- روز قیامت، روز حسرت است. فلو ان لنا کرّة

6- اگر مردم نخواهند و لجاجت کنند، نشانه ی بزرگ الهی نیز برای هدایت

آنان کارساز نیست. لایة و ما کان اکثرهم مؤمنین

- 7- مهربانی در عین قدرت، یک صفت الهی است. **العزیز الرحیم**
- 8- ای پیامبر! نگران انحراف اکثریت مباش، زیرا تو تحت حمایت مخصوص ما هستی. **و ما کان اکثرهم مؤمنین و إن ربک لهُوَ العزیز الرحیم**
- 9- مهلتی که خداوند به منحرفان می دهد به خاطر عجز و ناتوانی نیست، بلکه به خاطر رحمت و لطف است تا شاید برگردند. **العزیز الرحیم**

105- **كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ**

ترجمه:

قوم نوح، انبیا را تکذیب کردند.

106 - **إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ**

107 - **إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ**

ترجمه:

زمانی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا (از خدا) پروا نمی کنید؟ همانا من برای شما پیامبری امین هستم.

108- **فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُوا**

109 - **وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ**

ترجمه:

پس، از خداوند پروا کنید و اطاعت نمايید. و من برای این رسالت هیچ مزدی از شما درخواست نمی کنم، پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

110 - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُوا

111 - قَالُوا اءْتُوْنَا مِنْ لَدُنْكَ وَاتَّبِعْكَ الْارْذَلُونَ

ترجمه:

پس نسبت به خداوند تقوا پیشه کنید و (دستوراتم را) فرمان ببرید. آنان (به جای ایمان آوردن) گفتند: آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که فرومایگان از تو پیروی کرده اند؟

نکته ها:

نام حضرت نوح 43 بار در قرآن آمده است و خداوند حضرت ابراهیم را شیعه ی او دانسته و **اِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَابْرَاهِيْمٌ** (37) و سوره ای به نام نوح در قرآن آمده است. سلام خداوند به نوح، سلام خصوصی است: **سَلَامٌ عَلٰى نُوْحٍ فِى الْعَالَمِيْنَ** (38) در حالی که خداوند بر حضرت موسی و هارون و ابراهیم **عَلَيْهِمُ السَّلَامُ** نیز سلام نموده است، ولی جمله ی **فِى الْعَالَمِيْنَ** را ندارد. آشنایی با تاریخ انبیا، انسان را شیفته ی آنان می کند و روح صبر و استقامت را در آدمی زنده می سازد.

پیام ها:

- 1- همه ی انبیا دارای هدفی واحد هستند، لذا تکذیب یک پیامبر به منزله تکذیب همه ی پیامبران است. **كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوْحٍ الْمُرْسَلِيْنَ** (قوم نوح تنها حضرت نوح را تکذیب کردند، ولی قرآن می فرماید: **الْمُرْسَلِيْنَ** یعنی تمام انبیا)
- 2- قبیله ها و امت ها را با نام رهبران و شخصیت های آنان می شناسند.

قوم نوح

3- قبل از نوح، پیامبران متعددی بوده اند. **الْمُرْسَلِيْنَ**

4- در تبلیغ دین، از عواطف استفاده کنید. **أَخُوْهُم**

- 5- اخلاق و رفتار انبیا با مردم زمان خود، برادرانه بوده است. **أخوهم**
- 6- اطلاع از فرهنگ، زبان، آداب، رسوم و نقاط ضعف و قوت مردم، برای مبلّغ ضروری است. **أخوهم** کسی که برادر مردم است، از افکار، آداب و نقاط ضعف و قوت آنان آگاه است.

7- یکی از وظایف برادری دینی، ارشاد برادران دیگر است. **أخوهم... ألا**

تَتَّقُونَ

- 8- با سؤال، وجدان ها را بیدار کنید. **ألا تَتَّقُونَ**
- 9- پذیرفتن دعوت انبیا و اطاعت از آنان، روحیه ی تقوا لازم دارد. **ألا**

تَتَّقُونَ

- 10- نبوت، به نفع بشریت و برای نجات انسان هاست. **إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ**
- 11- امین بودن و حسن سابقه و دلسوزی، شرط نفوذ کلام است. **لَكُمْ رَسُولٌ**

أَمِينٌ

- 12- شرط اصلی در فرستاده و حامل پیام، امین بودن است. **رسول امین**
- 13- بیان کمالات خود، در مواردی لازم است. **أَنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ**
- 14- دینداری، از اطاعت از رهبری الهی جدا نیست. **فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا** آری تبلور تقوا در پیروی از انبیاست.

- 15- دعوت به خود، برای احیای فرمان خدا مانعی ندارد. **أَطِيعُونَ** در کنار **فَاتَّقُوا اللَّهَ** آمده است.

- 16- مبلّغ دینی نباید از مردم توقع مادّی داشته باشد و از آنان چیزی درخواست کند. (اخلاص، شرط نفوذ کلام است). **ما اءسئلكم عليه من اجر**
- 17- کسی که بر خدا توکل کند، می تواند از مردم بی نیاز باشد. **ما**

اءسئلكم... ان اءجرى الا على رب العالمين

18- خداوند پاداش مبلغان دینی را بر خود لازم کرده است. **إِنَّ أَجْرِي
الْأَعْلَىٰ رَبِّ...**

19- رهبر دینی نباید در موضع تهمت دنیاپرستی باشد. **وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
مِنْ أَجْرٍ**

20- راه های بهانه را ببندید و کارهای معنوی را به نیت اجر و مزد مادی
انجام ندهید. **مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ** در سوره ی قلم آیه 46 نیز می خوانیم:
أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّغْرَمٍ مُنْقَلُونَ

21- ایمان به خدا و تقوای الهی، زمینه ی ایمان به رسول و اطاعت از
اوست. **فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ**

22- در مسیر تربیت و تکامل، تکرار لازم است. (در این چند آیه، چند بار
فرمان تقوا صادر شده است) **فَاتَّقُوا اللَّهَ...**

23- اشرافی گری می تواند مانع ایمان آوردن باشد. زیرا مؤمنین در نظر
مستکبران، اراذل و فرومایگان هستند. **وَاتَّبِعَكَ الْأَرذَلُونَ**

24- بیشتر یاران انبیا، فقرا و گمنامان بودند. **وَاتَّبِعَكَ الْأَرذَلُونَ**

25- حرف حق و مکتب حق را نباید به خاطر طرفداران گمنام آن تحقیر
کرد. **وَاتَّبِعَكَ الْأَرذَلُونَ**

26- تعالیم انبیا، تبعیض های غلط اجتماعی را از بین می برد. **وَاتَّبِعَكَ
الْأَرذَلُونَ**

112 - **قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**

ترجمه:

(نوح) گفت: من به عملکرد گذشته (کسانی که شما اراذل می خوانید) آگاهی
ندارم. (یا مرا با اعمال گذشته ی آنان کاری نیست).

113 - إِنَّ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوَ تَشْعُرُونَ

ترجمه:

حساب آنان جز بر پروردگارم نیست، اگر شما درک کنید.

نکته ها:

در اسلام، ما مأمور به ظاهریم و اگر کسی به اسلام گروید حق نداریم بگوییم تو در قلبت ایمان نداری. و لا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا (39)

قرآن، در آیه ای دیگر به پیامبر دستور می دهد: کسانی را که شب و روز برای قرب به خدا او را می خوانند از خود دور مکن. حساب آنان با خداست. نه تو مسئول حساب آنان هستی و نه آنان مسئول حساب تو، و اگر آنان را طرد کنی از ستمگرانی. (40)

پیام ها:

1- پیامبران، بدون خواست الهی از اعمال گذشته ی افراد آگاه نیستند.

وما علممی

2- گفتنِ نمی دانم، عیب نیست. وما علممی

3- بنده شناس خداوند است و حسابگر اوست، ما را چه کار که ردّ یا قبول

کنیم. و ما علممی...

4- تجسس و عیبجویی از زندگی خصوصی افراد، ممنوع است. وما علممی...

5- برای قضاوت درباره ی دیگران، ایمان صادقانه و عمل صالح امروز آنان

را بنگرید و گذشته ی افراد را به رُخ آنان نکشید. بما كانوا يعملون

6- سوابق بد، مانع تغییر و تحوّل و توبه ی مردم نیست. كانوا يعملون

7- وظیفه ی انبیا، اصلاح مردم و دعوت به توحید است. آنان متولی حساب و کتاب افراد نیستند. **إِنْ حَسَابِهِمُ إِلَّا عَلَى اللَّهِ**

114 - وَمَا آءَاتَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ

115 - إِنْ آءَاتَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

ترجمه:

(امروز که آنان ایمان آورده اند،) من طرد کننده ی مؤمنان نیستم. من جز هشدار دهنده ای روشنگر نیستم.

116 - قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَنْوَحْ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ

117 - قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ

ترجمه:

مردم به نوح گفتند: ای نوح! اگر (از دعوت خود) دست برنداری قطعاً از سنگسار شدگان خواهی شد. نوح گفت: پروردگارا! همانا قوم من مرا تکذیب کردند.

118 - فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ترجمه:

پس میان من و آنان (داوری کن و) راه روشنی بگشا و مرا و هر کس از مؤمنان را که با من است (از شرّ این کفار) نجات بده.

نکته ها:

مستکبران حتی از انبیا نیز توقع طرد فقرای گمنام با ایمان را داشتند و همه انبیا دست رد به این پیشنهاد می زدند. خداوند در آیه 28- سوره کهف به پیامبر اکرم ﷺ دستور می دهد: **وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ**

یُریدون وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِيعَ مَنْ آغَفَلْنَا
 قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا خود را با مؤمنانی که هر صبح و شام
 خالصانه خدا را می خوانند قرار داده و به خاطر رسیدن به زینت های دنیا از آنان
 چشم پوشی نکن و از غافلان و هواپرستان و متجاوزان پیروی نکن.
 جمله ی **مِنَ الْمَرْجُومِينَ** به جای **لَنْزُجْمَنَّكَ**، نشان می دهد که قبل از
 حضرت نوح نیز افرادی را سنگسار نموده بودند.

پیام ها:

1- با پیشنهادات و توقعات نابجای متکبران، قاطعانه برخورد کنید. (طرد
 فقرای باایمان جایز نیست، حتی اگر به قیمت ایمان آوردن گروهی دیگر باشد)
وما أنا بطارد...

2- ملاک ارزش، ایمان است، نه جایگاه اجتماعی و اقتصادی. **وما أنا
 بطارد...**

3- جاذبه باید در حدّ اعلی باشد، ولی دافعه تنها در موقع ضرورت لازم
 است. **و ما أنا بطارد...**

4- بیم و هشدار و انذار انبیا، بیش از بشارت آنان است. در قرآن جمله ی **إِن
 أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ** آمده، ولی جمله ی **إِن أَنَا إِلَّا بَشِيرٌ** نیامده است.

5- ترساندن غافل از خطرها، بهترین شیوه ی ارشادی است. **إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ**

6- یکی از مهم ترین حربه های مخالفان انبیا تهدید است. **مِنَ الْمَرْجُومِينَ**

7- سنگسار کردن، یکی از قدیمی ترین انواع شکنجه هاست. **مِنَ الْمَرْجُومِينَ**

8- در برابر تهدیدهای دشمن به خدا متوسّل شویم. **قَالَ رَبِّ**

9- ناله ی حضرت نوح به خاطر تکذیب مکتب بود، نه تهدید و سنگسار.

رَبِّ انِّ قَوْمِي كَذَّبُونِ و نفرمود: **یرجمون**

10- خشونت ناهلان، از عواطف پدری و برادری شما نگاهد. **إِنَّ قَوْمِي**

11- گره گشا خداست. **فافتح**

12- اول برای حل مشکلات مردم و جامعه دعا کنید، بعد برای نجات خود.

فافتح نَجْنِي

13- با وجود تهدید و خفقان، گروهی از مردم به انبیا ایمان می آوردند. **وَمَنْ**

مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

14- آنچه مهم است، همراهی عملی و مکتبی است، نه فیزیکی و ظاهری. **وَمَنْ**

مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

15- مؤمنین مشمول دعای انبیا هستند. **نَجْنِي وَ مَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ**

16- ایمان به تنهایی کافی نیست، پیروی و همراهی لازم است. **وَمَنْ مَعِيَ**

چنانکه در موارد دیگر نیز قرآن می فرماید: **وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ** (41)

119 - **فَاءَنْجَيْنَهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ**

120 - **ثُمَّ اءَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ**

ترجمه:

پس ما نوح و هر کس از مؤمنان را که در آن کشتی گران بار، با او بود

نجات دادیم. سپس باقیمانده را غرق کردیم.

121 - **إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ**

ترجمه:

البته در این (ماجرا) نشانه ی بزرگی است، ولی اکثر مردم ایمان آورنده

نیستند.

122 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ترجمه:

و قطعاً پروردگارت همان صاحب عزت و مهربان است.

نکته ها:

مراد از گران بار بودن کشتی **الْفُلْکِ الْمَشْحُونِ**، این است که آنچه مورد نیاز بود، حضرت نوح در کشتی قرار داده بود. امام باقر علیه السلام فرمود: **الْفُلْکِ الْمَشْحُونِ** کشتی مجهز آماده حرکت است. و حضرت علی علیه السلام فرمود: در آن کشتی، نود جایگاه برای چهارپایان ساخته بود. ⁽⁴²⁾

پیام ها:

- 1- دعای انبیا و مظلومین مستجاب است. **فَانجِنَاهُ**
- 2- مؤمنین در پرتو انبیا بیمه هستند. **فَانجِنَاهُ و مَنْ مَعَهُ**
- 3- جدایی از انبیا سبب هلاکت است. **ثُمَّ اغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ**
- 4- داستان نجات نوح و یارانش و غرق کفار و مخالفان، نمودی از سنت خداوند در یاری حق و سرکوبی باطل است. **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً**
- 5- اگر به کفار مهلتی می دهد، به خاطر رحمت است نه ناتوانی. **العزیز**

الرَّحِيمِ

123 - كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ

124 - إِذْ قَالَ لَهُمْ إِهْ خُوهُمْ هُوْدُ ءِءَ لَا تَتَّقُوْنَ

ترجمه:

قوم عاد (نیز همچون قوم نوح) انبیا را تکذیب کردند. آن گاه که برادرشان هود به آنان گفت: آیا (از شرک و انحراف) پروا نمی کنید؟

125- إِنْى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

126 - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

ترجمه:

همانا من برای شما پیامبری امین هستم. پس از خدا پروا کنید و مرا پیروی نمایید.

127 - وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

ترجمه:

و من برای رسالتم هیچ مزدی از شما نمی خواهم، (زیرا که) مزد من فقط بر عهده ی پروردگار جهانیان است.

نکته ها:

عاد، نام جدّ بزرگ قوم حضرت هود است و آن قوم به نام جدّشان مشهور شده اند. قوم عاد طایفه ای از عرب بودند که در سرزمین خوش آب و هوای **یمن** در منطقه ای به نام **احقاف** در نزدیکی دریا زندگی می کردند. کشورشان آباد بود، مردم شهر نشین بودند و پیامبرشان حضرت هود بود. نامشان در قرآن کریم 24 بار تکرار شده است. همچنین در قرآن، سوره ای به نام احقاف و سوره ای به نام هود داریم.

پیام ها:

- 1- چون هدف و محتوای دعوت تمام انبیا یکی است، تکذیب یک پیامبر، به منزله ی تکذیب همه ی پیامبران است. **كذبت عاد المرسلین**
- 2- دعوت پیامبران، برادرانه بود. **أخوهم** (حتی کلمه ی **أبوهم** نیاورده تا عمق صفا و تواضع و صداقت را بیان کند).
- 3- تقوا، سرلوحه ی دعوت انبیا است. **ألا تتقون**
- 4- دعوت به تقوا، لازمه ی اخوت و برادری است. **أخوهم هود ألا تتقون**
- 5- رسالت انبیا برای رشد مردم است، نه سلطه بر آنها. **لكم**
- 6- پیامبران، از خود حرفی نداشتند، هر چه می گفتند پیام الهی بود. **رسول**

امین

- 7- لحن همه ی انبیا و شیوه ی تبلیغ و محتوای مطالب و خط فکری آنان مشترک است. (تکرار آیات شاهد این سخن است).
- 8- تقوای الهی، زمینه ساز اطاعت از رهبری است. **فأتقوا الله و أطيعون**
پیروی از رهبران الهی، تبلور تقوای الهی است.
- 9- اخلاص و بی توقعی، رمز موفقیت است. **و ما اءسئلکم**
- 10- اخلاص و توکل، لازمه ی تبلیغ است. **إن اءجری...**
- 11- کسی که هستی را اداره می کند، زندگی مرا نیز اداره خواهد کرد. **إن**

اءجری الا علی ربّ العالمین

- 12- نظام هستی از عوامل مختلفی تشکیل شده که همه ی آنها تحت یک تدبیر و در حال رشد هستند. **ربّ العالمین**

128- اءَتَّبِنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ

129 - وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ

ترجمه:

(هود به مردم گفت:) آیا بر هر تپه ای بنا و قصری بلند از روی هوا و هوس می سازید؟ و کاخ های استوار می گیرید، به امید آنکه جاودانه بمانید؟

130 - وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ

131 - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُونَ

ترجمه:

و هر گاه کسی را کیفر می دهید، همچون زورگویان کیفر می دهید؟ پس، از خداوند پروا کنید و مرا فرمان برید.

نکته ها:

ریع به معنای دامنه ی کوه و تپه است. **مَصَانِع** دژ و قصر محکم و بلند را گویند. و کلمه ی **بَطَش** به معنای گرفتن با قهر و غلبه و قدرت است. در این آیات، قرآن از اصل ساختمان سازی در دامنه ی کوه و ساختن دژ و داشتن قدرت انتقاد نمی کند. آنچه مورد انتقاد است، هدف های نامقدس، **تَعْبَثُونَ** و خیال های واهی، **لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ** و تجاوز از اعتدال است. **جَبَّارِينَ** در روایات می خوانیم: یکی از یاران رسول اکرم ﷺ بر بام خانه اش **قَبّه** ای ساخته بود. حضرت از دیدن آن ناراحت شد. صاحب خانه چون چنین دید، **قَبّه** را خراب کرد. رسول خدا بار دیگر که **قَبّه** را ندید، پرسید: **قَبّه** چه شد؟ گفتند: همین که صاحبش دید شما ناراضی هستید آن را خراب کرد. پیامبر

فرمود: إِنَّ كَلَّ بِنَاءِ وَبَالَ عَلِيٍّ صَاحِبِهِ إِلَّا مَا لَا بَدَّ مِنْهُ هَرَّ سَاخْتِمَانِي كَهْ مَوْرِدِ نِيَازِ
نَبَاشِدْ، دَر قِيَاْمَتِ وَبَالَ صَاْحِبِشْ خَوَاْهَدِ بُوْد. (43)

پیام ها:

- 1- سابقه ی بناهای بلند به زمان هود می رسد. **اءِ تَبْنُوْنَ بَكْلَ رِيْعِ آيَةِ**
- 2- حرص، انسان را رها نمی کند. **بَكْلَ رِيْعِ**
- 3- آنچه در چشم دنیاپرستان جلوه دارد، در نظر اولیای خدا خوار است و مردم را به خاطر آن سرزنش می کنند. **اءِ تَبْنُوْنَ... تَعْبُوْنَ**
- 4- تمدن و رفاه کاذب، عامل غرور و مانع حق پذیری است. **اءِ تَبْنُوْنَ**
- 5- شروع کار انبیا با انتقاد از وضع نابسامان موجود و بیدار کردن وجدان ها از طریق سؤال است. **اءِ تَبْنُوْنَ بَكْلَ رِيْعِ...**
- 6- کارهای ستمگران، یا برای مطرح کردن خود است **آيَةِ** یا برای بقای خود **تَخْلُوْنَ** یا استثمار و استعمار مردم است. **جَبَّارِيْنَ**
- 7- در هر کاری باید هدفی والا داشت. **اءِ تَبْنُوْنَ... تَعْبُوْنَ**
- 8- ثروت، سرمایه و ساختمان های بلند در دست ناهلان، برای ارضای هوا و هوس است. **تَعْبُوْنَ**
- 9- انتقاد قرآن از روحیه ی کاخ نشینی و عیاشی است، نه اصل ساختمان. **تَعْبُوْنَ** (تولید، ابتکار، هنر و بکارگیری امکانات و نیروی انسانی و... باید در مسیر نیاز واقعی باشد، نه بیهوده)
- 10- قصرها و کاخ ها، زندگی را جاودانه نمی کنند. **تَتَّخِذُوْنَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُوْنَ**
- 11- آفات ساختمان، چهار چیز است:
الف: حرص و اسراف. **بَكْلَ رِيْعِ**

ب: تفاخر و خودنمایی. آیه

ج: بلهوسی. تَعَبْتُونَ

د: دنیا گرایی و غفلت. لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ

12- قوانین کیفری باید عادلانه باشد. (قرآن از کیفرهای ظالمانه انتقاد می

کند) بَطَّشْتُمْ جَبَّارِينَ

13- دینداری، محور و رهبر و الگو لازم دارد. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

14- دینداری، هم پروای قلبی است و هم اطاعت عملی. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ

أَطِيعُوا

15- بی تقوایی عامل همه ی مفسد است. حضرت هود پس از انتقاد از فکر

و عمل کافران فرمود: فَاتَّقُوا اللَّهَ...

132 - وَ اتَّقُوا الَّذِيْ اءَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُوْنَ

133 - اءَمَدَّكُمْ بِاَنْعَمٍ وَ بَنِيْنَ

ترجمه:

و از خداوندی که می دانید چقدر کمکتان کرده پروا کنید. او شما را با

(بخشیدن) چهار پایان و فرزندان مدد کرده است.

134 - وَ جَنَّتْ وَ عِيُوْنَ

135 - اِنِّيْ اءَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ

ترجمه:

و باغ ها و چشمه سارها (به شما داده است. اگر کفران کنید) من بر شما از

عذاب روز بزرگ می ترسم.

136 - قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا اِءْوَعَطْتَ اِءْمٌ لَمْ تَكُنْ مِّنَ الْوَعِظِينَ

ترجمه:

(قوم عاد به حضرت هود) گفتند: پند دهی یا از پند دهندگان نباشی، برای ما برابر است (و ما تو را نمی پذیریم).

نکته ها:

حضرت هود مردم را هم به خدا متوجه کرد: **فَاتَّقُوا اللَّهَ** هم به نبوت: **وَأَطِيعُونَ** و هم به معاد: **إِنِّي اءِخَافُ عَلَيْكُمْ** عذاب یوم عظیم
مراد از روز بزرگ در این جا، همان قیامت است، گرچه در داستان حضرت
شعیب به دنیا نیز روز عظیم گفته شده است. **فَأَخَذَهُمُ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ**
عَذَابُ يَوْمِ عَظِيمٍ عذاب روز ابر آتشبار آنان را گرفت که آن عذاب روز بزرگی
بود. (44)

پیام ها:

- 1- تقوا بهترین راه تشکر از خداوند است. **وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَمَدَّكُمْ**
- 2- هر کس خود می داند چقدر مورد لطف خداوند قرار گرفته است. **أَمَدَّكُمْ**

بماتعلمون

- 3- کاخ ها و ساختمان های قوم عاد، با دامداری و باغ ها و چشمه ها همراه بود. **بِكُلِّ رِيحٍ آيَةٌ... انعام... جنات و عيون**
- 4- اگر آمادگی و قابلیت نباشد، موعظه ی انبیا نیز اثری ندارد. **سواء علينا**

137 - إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ

138 - وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ

ترجمه:

این (دعوت تو یا بت پرستی ما) جز شیوه پیشینیان نیست. وما عذاب نخواهیم شد.

139 - فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ

مُؤْمِنِينَ

ترجمه:

پس هود را تکذیب کردند آنگاه ما آنان را هلاک کردیم. البته در این (داستان) بی شک نشانه ی بزرگی است، و (لی) اکثر مردم ایمان آورنده نیستند.

140 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ترجمه:

و همانا پروردگار تو، همان خداوند عزیز و مهربان است.

نکته ها:

در این که کلمه ی **هذا** به چه چیز اشاره دارد، احتمالاتی است:

الف: این ادعای پیامبری تو، چیزی جز تقلید از مدعیان قبلی نبوت نیست.

ب: این خانه های بلند بر روی تپه ها و سایر کارهای ما، شیوه ی نیاکان ماست.

ج: این تکذیب و بت پرستی ما، همان تکذیب و بت پرستی نیاکان ماست.

قرآن، بارها از اکثریت مردم انتقاد کرده است. در این سوره نیز چند بار آیه

و **ما کان اکثرهم مؤمنین** در پایان نقل تاریخ انبیا بیان شده است.

پیام ها:

1- سابقه و رفتار نیاکان، دلیل حقیقت نیست. **إن هذا الاّ خلق الاولین** (در

صورتی که مراد از **هذا**، رفتار مشرکان باشد)

2- تقلید نابجا و تعصّب، مانع پندپذیری است. سواء علينا اء وَعَظْتَ... إن هذا...

3- انحراف نیاکان، زمینه ی انحراف نسل های بعدی است. إن هذا الاّ خُلُقِ
الاولین

4- گاهی بت پرستی و هر رفتار دیگر، جزو جوهره ی انسان می شود.
(کلمه ی خُلُقِ به معنای روحیه ی ثابت است)

5- بت پرستان، انحراف خود را با شیوه ی نیاکان توجیه و از خود سلب
مسئولیت می کردند. و ما نحن بمُعذِّبین

6- سرنوشت انسان به دست خود اوست. فكَذَّبُوهُ فَاهْلَكْنَاهُمْ

7- از تکذیب و هلاکت دیگران عبرت بگیرید. لایة

8- اکثریت، شما را فریب ندهد. حقّ را در زیادی جمعیت جستجو نکنید،
ملاک شناخت حقّ و باطل، کمیت نیست. و ما کان اکثرهم مؤمنین

141 - كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ

142 - إِذْ قَالَ لَهُمْ اءْخُوهُمْ صَلِحْ اءْ لَا تَتَّقُونَ

ترجمه:

قوم ثمود (نیز) پیامبران را تکذیب کردند. آنگاه که برادرشان صالح به آنان
گفت: آیا (از شرک و انحراف) پروا نمی کنید؟

143 - إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ اءْمِينٌ

144 - فَاتَّقُوا اللَّهَ وءْ طِيعُونَ

ترجمه:

من برای شما پیامبری امین هستم. پس از خداوند پروا کنید و از من اطاعت
نمایید.

145- وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَعْرَجَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

ترجمه:

و من بر این رسالتم هیچ پاداشی از شما نمی خواهم. پاداش من جز بر
پروردگار جهانیان نیست.

نکته ها:

در این سوره، داستان چند تن از پیامبران نقل شده، ولی آغاز ماجرای آنان
با کلمه ی **كذبت** شروع می شود⁽⁴⁵⁾ و این، به خاطر آن است که در این داستان
ها نقطه ی مهم، مسأله ی تکذیب پیامبران از سوی اقوام گذشته و هلاکت
آنهاست. آری در نوشتن و گفتن باید مطالب مهم، سرفصل قرار بگیرد.

در بیان تاریخ، باید به نکات مهم توجه شود، نه به مسایلی که دانستن یا
ندانستن آنها سود و ضرری ندارد. در این داستان ها، درباره ی تعداد مردم و نام
مکان و تاریخ حادثه و جزئیات دیگر، مطلبی بیان نشده است، زیرا آنچه مایه ی
عبرت است، نشان دادن جلوه های حق و باطل و بیان پیروزی حق بر باطل
است.

پیام ها:

1- روش دعوت تمام انبیا یکی است. در داستان نوح، هود، صالح، لوط و

شعیب، همه ی آنان یک کلام و یک شعار داشتند:

همه می گفتند: **أَلَا تَتَّقُونَ**

همه می گفتند: **فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا**

همه می گفتند: **إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ**

همه می گفتند: ما اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ

و خلاصه ی پیام همه ی آنان چند چیز بود: برادری، تقوا، پیروی از رهبر، بی توقعی، توکل بر خدا و اطمینان دادن به مردم که ما به نفع شما و امین شما هستیم. (پیام های این چند آیه نیز مانند پیام های آیات قبل است که درباره ی پیامبران دیگر در همین سوره عنوان شد.)

146 - اءْتُرْكُونَ فِى مَا هَهُنَّا ءَامِنِينَ

ترجمه:

آیا (فکر می کنید) شما در آنچه در این دنیا دارید، در امن و امان رها خواهید شد؟

147 - فِى جَنَّتٍ وَعُيُونٍ

148 - وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعَتْ هَضِيمٌ

ترجمه:

در باغ ها و چشمه ها، و کشتزارها و نخل هایی که شکوفه اش لطیف و بر هم نشسته است. (و هیچ مسئولیت و بازگشتی نخواهید داشت؟)

149 - وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ

ترجمه:

و شما (ماهرانه) از کوه ها خانه هایی برای خوشگذرانی می تراشید.

150 - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُونَ

151 - وَلَا تُطِيعُوا اِمْرَ الْمُسْرِفِينَ

ترجمه:

پس، از خدا پروا کنید و مرا پیروی نمایید. و از اسرافکاران فرمان نبرید.

152 - اءَلَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

ترجمه:

آنان که در زمین فساد می کنند و اهل اصلاح نیستند.

نکته ها:

اگر مردم دنیا تنها به همین جمله ی **لَا تُطِيعُوا امر المسرفين** عمل کنند، تمام حکومت های طاغوتی اسرافکار، سقوط می کنند.

قوم ثمود، هم کشاورزی خوبی داشتند، **فی جنّات و عُیون و زُرُوع** هم تمدن و خانه سازی **من الجبال بیوتا** و هم رفاه و امنیت. **فارھین... آمین**

کلمه ی طَلَع به شکوفه ی خرما گفته می شود که قبل از میوه طلوع می کند و گاهی به نوبر و اولین خرما نیز گفته می شود.

هَضِيم به معنای شکوفه ی لطیف و برهم نشسته است. یعنی شکوفه های خرما از انبوهی و پر حاصلی و طراوت برهم سوار شده است.

با اینکه **کلمه ی جنّات** شامل درخت خرما نیز می شود، ولی نام درخت خرما جداگانه برده شده است، که شاید اشاره به اهمیت خرما در میان قوم ثمود بوده است.

کلمه ی فارھین می تواند از کلمه ی **فره** به معنای شادی باشد که **بیوتا** **فارھین** یعنی در خانه ها سرمست بودند و می تواند از ریشه ی **فراحت** به معنای مهارت باشد که **بیوتا فارھین** یعنی با مهارت خانه هایی را از کوهها می تراشیدند.

پیام ها:

- 1- به زندگی مرفه دنیا مغرور نشوید. **اے تُرکون... آمینین** رفاه امروز نشانه ی رضای خداوند از شما نیست. (نعمت های مادی پایدار نیست).
- 2- توجّه به ناپایداری دنیا، وسیله ی تقواست. **اے تُرکون... فاتّقوا الله**
- 3- لازمه ی تقوا، پیروی از انبیا و دوری از اطاعت مسرفان است. **فاتّقوا الله و اطیعون و لا تطیعوا امر المسرفین**
- 4- امنیّت، اقتصاد و رفاه، اگر با پیروی از رهبر معصوم همراه نباشد زمینه ی فساد خواهد شد. **آمینین، جنّات، عیون، زُروع، بیوتا، فاتّقوا الله و اطیعون**
- 5- انسان در برابر نعمت ها رها نیست، بلکه مسئولیّت دارد. **جنّات، عیون، زُروع، بیوتا، لا تطیعوا امر المسرفین**
- 6- اسرافکار، صلاحیّت رهبری جامعه را ندارد. **لا تطیعوا امر المسرفین**
- 7- انبیا در مصرف گرایی مردم حسّاس بودند. **لا تطیعوا امر المسرفین**
- 8- در برابر سرمایه داران اسرافگر، کرنش نکنید. **لا تطیعوا امر المسرفین**
- 9- تولّی و تبری باید با هم باشد. **اطیعون لا تطیعوا**
- 10- اسراف، فساد است و اسرافکار، مفسد. **المسرفین الذین یفسدون**
- 11- از مرفّهان بی درد، امید اصلاح نداشته باشید که اصلاح تنها در سایه ی مکتب انبیاست. **و لا یصلحون**
- 12- اسرافکاران، کار خود را توجیه می کنند و خود را صالح می دانند.

لا یصلحون

153 - قَالُوا إِنَّمَا آءَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ

ترجمه:

(قوم ثمود به جای ایمان آوردن به صالح) گفتند: همانا تو از سحر شدگانی.

154 - مَا آتَتْ إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُنَا فَأَتْ بَايَةَ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

ترجمه:

تو جز بشری مثل ما نیستی. پس اگر از راستگویانی، نشانه (و معجزه) ای بیاور.

پیام ها:

- 1- به انبیا دو تهمت می زدند: سحرکننده، ساحر و سحرشده. **المسحرین**
- 2- بدتر از عصیان، توجیه کردن آن است. در برابر فرمان **أَطِيعُونَ** عصیان خود را توجیه کرده و می گفتند: تو سحر شده ای و قابل پیروی نیستی.

المسحرین

- 3- نبوت و معجزه، متلازمند. **فَأَتْ بَايَةَ** (معجزه، نشانه ی صداقت انبیاست)

155 - قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شَرْبٌ وَلَكُمْ شَرْبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ

ترجمه:

صالح (در پاسخ معجزه خواهی مردم) گفت: این ماده شتری است (که با اراده ی خداوند، از درون کوه خارج شد). برای اوست سهمی از آب (یک روز) و برای شما روز دیگری معین شده است.

156 - وَلَا تَمْسُوها بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ

ترجمه:

و به آن آسیبی نرسانید که عذاب روز سهمگین، شما را فرا می گیرد.

157 - فَعَقَرُوها فَأَصْبَحُوا نَدَمِينَ

ترجمه:

پس ناقه را کشتند، سپس از کرده ی خود پشیمان شدند.

نکته ها:

دست قدرت خداوند در ارائه ی معجزه باز است، از شکافتن ماه **إِنْشِقَ الْقَمَرِ**، تا شکافتن آب **فَانْفَلَقَ** تا شکافتن کوه و بیرون آوردن شتر برای او یکسان است. با این که ناقه ی صالح را یک نفر از پای درآورد، اما قرآن می فرماید: **عَقْرُوها** یعنی گروهی آن را بی کردند، زیرا آن گروه به کار آن یک نفر راضی بودند. چنانکه حضرت علی عَلِيٍّ می فرماید: **أَمَّا عَقْرَ نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٍ وَاحِدٍ فَعَمَّهمُ اللهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا**⁽⁴⁶⁾

پیام ها:

- 1- معجزه باید به قدری روشن باشد که همه ی مردم در هر سطحی که هستند، اعجاز آن را درک کنند. **هذه ناقة**
 - 2- توهین به مقدّسات، کیفر بزرگ دارد. **لَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ** خداوند در سوره اعراف این شتر را به خود نسبت داده است؛ **ناقة الله**⁽⁴⁷⁾
 - 3- تقسیم عادلانه ی منابع آب باید طبق فرمان خدا صورت گیرد. **لها شربٌ ولکم**
 - 4- شتری که رنگ الهی داشته باشد، بر انسان های عادی مقدّم است. **لها شربٌ ولکم...**
 - 5- انسان طاغی، حتّی به حیوان بی آزار شیرده رحم نمی کند. **فَعَقَرُوهَا**
 - 6- هشدارهای انبیا را جدّی بگیریم. **لَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَعَقَرُوهَا فَاصْبِحُوا**
- نادمین
- 7- هر کس که به کار دیگری راضی باشد، در اجر یا گناه کار او شریک است. **فَعَقَرُوهَا** با اینکه یک نفر ناقه را کشت.

8- هر ندامت و توبه ای مقبول نیست. (توبه و ندامت هنگام دیدن عذاب

کارساز نیست). **نادمین فاء خذهم العذاب**

158- **فَاءَ خَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ**

ترجمه:

پس آنان را عذاب فرا گرفت. همانا در این (ماجرا) قطعاً نشانه و درس عبرتی است، و (لی) اکثر آنان ایمان آورنده نیستند.

159 - **وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ**

ترجمه:

و البته پروردگار تو بی شک همان توانای مهربان است.

پیام ها:

1- توهین به مقدسات الهی به حدی مهم است که گروهی به خاطر کشتن

یک حیوان، نابود می شوند. **فَعَقَرُوهَا... فاء خذهم العذاب**

2- هم الطاف او نشانه های عبرت هستند و هم قهر و عذابش. **لآيَةً**

3- انسان می تواند حتی با دیدن بزرگ ترین نشانه های الهی، در برابر حق

عناد ورزد و ایمان نیاورد. **لآيَةً و ما كان اكثرهم مؤمنين**

4- فرستادن انبیا و معجزه و قهر بر کفار لجوج، از شئون ربوبیت اوست. **رَبِّكَ**

5- ایمان و کفر مردم، در خداوند اثری ندارد. **إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ**

6- قهر خداوند به خاطر عمل خودماست و گرنه او مهربان است.

لهو العزيز الرحيم

160 - **كَذَّبَتْ قَوْمٌ لُوطَ الْمُرْسَلِينَ**

ترجمه:

قوم لوط (نیز) انبیا را تکذیب کردند.

161 - إِذْ قَالَ لَهُمْ اءُخُوهُمُ لُوطُ اءَلَا تَتَّقُونَ

162 - اِنِّى لَكُمْ رَسُوْلٌ اءَمِيْنٌ

ترجمه:

زمانی که برادرشان لوط به آنان گفت: آیا (از شرک و انحراف دوری، و از خدا) پروا نمی کنید؟ همانا من برای شما پیامبری امین هستم.

163 - فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُوْنَ

164 - وَمَا اءَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اءَجْرٍ اِنِ اءَجْرِيْ اِلَّا عَلَى رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ

ترجمه:

پس، از خداوند پروا کنید و مرا اطاعت نمایید. و من در برابر رسالتم از شما مزدی درخواست نمی کنم. (زیرا) مزد من تنها بر پروردگار جهانیان است.

نکته ها:

حضرت لوط با حضرت ابراهیم همزمان بودند، ولی در این سوره فاصله ی داستان ابراهیم و لوط حدود یکصد آیه است و این، به خاطر آن است که در نقل های قرآن عبرت ها مهم است، نه تنظیم و سیر تاریخی.

پیام ها:

1- موضوعات اصلی را سرفصل کلام خود قرار دهید. **كذبت ثمود...**

(در آغاز تاریخ تمام انبیا در این سوره، کلمه ی **كذبت** مطرح شده و این به جهت آن است که هدف از نقل تاریخ آن بزرگواران در این سوره، بیان تکذیب مردم لجوج و کیفر الهی آنان است.)

2- تکذیب یک پیامبر به منزله ی تکذیب همه ی پیامبران است. **كذبت...**
المرسلین (با اینکه هر قومی پیامبر خود را تکذیب می کرد، ولی چون انبیا دارای هدف و برنامه واحدی هستند، تکذیب یکی از آنها به منزله تکذیب همه آنان است)

3- رابطه ی رهبر آسمانی با مردم، رابطه ی برادری است. **اخوهم**

4- کسی که پروای درونی ندارد، از هر جهت آسیب پذیر است و هیچ حقی را نمی پذیرد. **الا تتقون**

5- رهبران آسمانی باید به سراغ مردم روند و خود و اهداف خود را به آنان عرضه کنند. **الا تتقون انی لکم...**

6- تقوا، بستر و زمینه ی حق پذیری و اطاعت از انبیا است. **فاتقوا الله و اطیعون**

7- دینداری، بدون اطاعت از رهبری کامل نیست. **فاتقوا الله و اطیعون**

8- اگر به مال مردم چشم ندوزیم، سخنان ما بیشتر اثر می کند. **ما اسئلكم**

9- کسی می تواند از مردم بی نیاز باشد که توکلش بر خداوند زیاد باشد. **الا علی رب العالمین**

165- **اءتاءتون الذکران من العلمین**

ترجمه:

آیا از میان مردم جهان، شما به سراغ مردها می روید؟

166 - **وتدرون ما خلق لکم ربکم من اءزوجکم بل اءنتم قوم**

عادون

ترجمه:

و همسرانتان را که پروردگارتان برای شما آفریده رها می کنید؟ بلکه شما مردمی تجاوزکارید.

167 - قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ

ترجمه:

مردم (به جای پند پذیری) گفتند: ای لوط! اگر (از حرف هایت) دست برداری، قطعاً از تبعید شدگان خواهی بود.

نکته ها:

در این آیات، قوم لوط به عنوان تجاوزگر معرفی شده اند؛ بل انتم قوم **عادون** لکن در آیات دیگر، تعبیرات دیگری نیز درباره ی آنها به کار رفته است، از جمله: **بل انتم قوم مسرفون**⁽⁴⁸⁾، **قوم سوء فاسقین**⁽⁴⁹⁾ و **بل انتم قوم تجهلون**⁽⁵⁰⁾

کسی که مرتکب لواط شود، مجازاتش قتل است. این عمل به قدری زشت است که حتی اگر کسی با حیوانی آمیزش جنسی انجام دهد، گوشت آن حیوان حرام می شود و باید آن را ذبح کرد و سپس لاشه ی آن را سوزاند. همجنس گرایی، تنها در میان انسان ها دیده می شود. در عالم هستی، هیچ موجود دیگری همجنس گرا نیست.

پیام ها:

- 1- در نهی از منکر، باید منکرات رایج در هر گروه و زمان را شناخت و در بازداشتن مردم از آن اصرار نمود. **اءتاءتون الذکران**
- 2- در نهی از منکر، راه های معروف را ارائه دهید. **اءتاءتون و تذررون...**

ازواجکم

3- رها کردن همسر و نادیده گرفتن نیازهای او ممنوع است. تَذَرُونَ...

ازواجکم

4- خداوند برای اشباع غرائز بشر، مسیر فطری و طبیعی قرارداد است. خلق

لکم

5- ادیان آسمانی، انسان را به ازدواج ترغیب می کنند. خلق لکم ربکم من

ازواجکم

6- ازدواج، جلوه ای از ربوبیت الهی و به نفع انسان است. خلق لکم ربکم

7- انحرافات جنسی، تجاوز و طغیان است و همجنس گرایی و لواط، تجاوز

به حریم ارزشهاست. عادون

8- برای از بین بردن منکر، تکرار نهی از منکر و استقامت لازم است. لئن لم

تنته

9- در نهی از منکر، خود را برای تهدیدهای دیگران آماده کنید. لتکونن من

المخرجین

10- تبعید، شیوه ی ستمگران قوم لوط بوده است. من المخرجین

168 - قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِّنَ الْقَالِينَ

169 - رَبِّ نَجِّنِي وَآهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

ترجمه:

لوط گفت: من مخالف شدید کردار شما هستم. پروردگارا! من و کسان مرا از

(شر) آنچه انجام می دهند رهایی بخش.

170 - فَنَجِّنْهُ وَاَهْلَهُ اَجْمَعِينَ

171 - اِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَبْرِ

172 - ثُمَّ دَمَّرْنَا الْاٰخِرِينَ

ترجمه:

پس (دعایش را مستجاب کردیم و) او و تمام خاندانش را نجات دادیم. مگر پیرزنی (زن لوط) که در میان بازماندگان بود. سپس، دیگران را ریشه کن کردیم.

173 - وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطْرًا فَسَاءً مَطْرُ الْمُنْذَرِينَ

ترجمه:

و بر سر آنان بارانی (از سنگ) فرو فرستادیم. پس چه بد است باران هشدار داده شدگان.

174 - اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَّمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ

175 - وَاِنَّ رَبَّكَ لَهٗوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ

ترجمه:

البته در این (ماجرا) نشانه ای (از قدرت الهی) است، لکن بیشتر مردم ایمان آورنده نیستند. همانا پروردگار تو همان توانای مهربان است.

نکته ها:

کلمه **ی قالین** به معنای اظهار نگرانی و مخالفت شدیدی است که از عمق جان باشد.

پیام ها:

1- با کار بد مخالفت کنید، نه با شخص خلافکار. **لعمَلِکُم مِّنَ الْقَالِيْنَ**

- 2- انبیا، در برابر تهدیدها نمی ترسیدند و حرف خود را می زدند. **من القالین** لوط در برابر تهدید اخراج و تبعید، فرمود: من دشمن کار شما هستم.
- 3- تنفّر از کار بد، هم باید زبانی باشد و هم عملی. **قال اِنّی لعملمکم ربّ نجّنی** آری نگرانی تنها کافی نیست، باید به فکر رهایی و نجات از مرکز فساد بود.
- 4- محیط آلوده برای مردان خدا قابل تحمل نیست؛ اگر از اصلاح محیط مایوس شدند، حداقل خود را از آنجا نجات می دهند. **نجّنی**
- 5- بزرگان جامعه باید به فکر خاندان و یاران خود باشند. **نجّنی و اهلی**
- 6- دعای انبیا مستجاب است. **ربّ نجّنی فنجّیناه**
- 7- زن، در انتخاب راه وابسته به شوهر نیست. **الاّ عجوزاً** (زن لوط راه انحرافی را برگزیده بود)
- 8- در ادیان آسمانی، همه ی قوانین و ارزش ها بر اساس ضوابط است نه روابط. **الاّ عجوزاً** (زن پیامبر نیز اگر منحرف شد، هلاک می شود، زیرا ملاک و میزان، کفر و ایمان است نه رابطه ها و نسبت ها)
- 9- حساب اطرافیان و وابستگان شخصیت ها را، از حساب خود آنان جدا کنید. **الاّ عجوزاً** (ممکن است انسان پیامبر و فرستاده خدا باشد، ولی بستگانش در راه حق نباشند. همسر لوط در خانه پیامبر بود، ولی دارای تفکّر انحرافی بود.)

- 10- کیفر گناه برای همه یکسان است، زن لوط در میان نابودشدگان است و امتیاز ویژه ای ندارد. **فی الغابین**
- 11- کیفر کسانی که مسیر ازدواج را به لواط می کشانند، آن است که باران رحمت، باران عذاب شود و آنان را از پای در آورد. **فساء مَطَرِ الْمُنْذِرِينَ**
- 12- خداوند قبل از عذاب، هشدار می دهد و اتمام حجت می کند. **المنذرین**
- 13- همین که جامعه از افراد صالح خالی شد، زمینه ی قهر الهی فراهم شده است. **نَجِّينَاهُ وَ اَهْلَهُ... ثُمَّ دَمَّرْنَا**
- 14- طبیعت، در اختیار قدرت الهی است. (همان قدرتی که از آسمان باران نازل می کند، می تواند سنگ نازل کند) **فامطرنا عليهم مطرا...**
- 15- تاریخ، مایه ی عبرت است. **إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً**
- 16- در تربیت، تکرار لازم است. (در این سوره بعد از نقل ماجرای هریک از پیامبران، جمله ی **إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً** آمده است).
- 17- اکثر مردم پند پذیر نیستند. **و ما كان اكثرهم مؤمنين**
- 18- قدرت همراه با رحمت ارزش دارد. **العزیز الرحیم**

176 - **كَذَّبَ اءَصْحَابُ لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ**

ترجمه:

اصحاب آیکه (نیز) پیامبران را تکذیب کردند.

177 - **إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ اءَلَا تَتَّقُونَ**

178- **إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ اءَمِينٌ**

179 - **فَاتَّقُوا اللَّهَ واءَطِيعُونَ**

ترجمه:

زمانی که شعیب به آنان گفت: آیا از (شرک و انحراف) پروا ندارید؟ همانا من برای شما پیامبری امین هستم. پس، از خدا پروا کنید و من را اطاعت کنید.

180 - وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

ترجمه:

و من بر این رسالتم هیچ پاداشی از شما درخواست نمی کنم. اجر من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

نکته ها:

آیکه به معنای بیشه و جنگل است. بعضی اصحاب آیکه را که چهار بار نامشان در قرآن آمده همان اصحاب مدین می دانند و بعضی دیگر آنان را قومی می دانند که در منطقه ای نزدیک مدین زندگی می کردند و هر دو قوم، مخاطب حضرت شعیب بوده اند.

در این سوره، این هفتمین پیامبری است که داستانش نقل شده و در تمام این داستان ها جمله ی قال لهم آخوهم بود اما در مورد شعیب، کلمه ی آخوهم نیامده است. شاید دلیلش این باشد که شعیب نسبت به مردم غریب بود. (51)

پیام ها:

1- همه ی انبیا، هم فکر، هم سخن و همسو بودند. (آیات اِنِّی لَکُم رَسُوْلٌ اٰمِیْنٌ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ اطِیْعُوْنِ در همه ی داستان های این سوره تکرار شده و پیام های این آیات، همان پیام های آیات 160 تا 164 است.)

181 - اءَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ

182 - وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ

ترجمه:

حقّ پیمانہ را ادا کنید و از کم فروشان نباشید. و با ترازوی درست بسنجید.

183 - وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

ترجمه:

و اجناس مردم را کم ندهید و در زمین به فساد و تبهکاری نکوشید.

نکته ها:

کلمه ی **کیل**، برای مایعات و کلمه ی **قسطاس**، برای وزن ها و کلمه ی **اشیائهم**، برای چیزهای عددی و غیره بکار رفته است.

در این آیات دو امر و دو نهی مشاهده می کنیم که مکمل یکدیگرند. اوفوا و لاتکونوا و زنوا لاتبخسوا

در روایات آمده است: کسانی که عیب جنس خود را به مشتری نگویند، فرشتگان، آنان را لعنت می کنند و کسانی که با مکر و حیلہ دیگران را فریب دهند، بدترین مردم هستند. (52)

کم فروشی، یکی از منکرات بزرگ اقتصادی است که همه ی آفات لقمه ی حرام را به دنبال دارد. کم فروشی، تنها در داد و ستد نیست، بلکه ممکن است افرادی در تدریس و طبابت و نظارت و مهندسی و شئون دیگر زندگی نیز کم فروشی کنند و چنان که باید حقّ دیگران را ادا نکنند.

پیام ها:

- 1- پیمانہ و ترازو، سابقه و تاریخی بس طولانی دارد. اوفوا الکیل
- 2- کم فروشی، حرام و مراعات حقّ الناس واجب است. اوفوا الکیل...
- 3- انبیا، بر سلامت نظام اقتصادی جامعه نظارت داشتند. اوفوا الکیل
- 4- ادیان آسمانی بر عدالت اجتماعی و اقتصادی تاءکید دارند. اوفوا و زنوا

5- میزان سنجش در هر امری باید عادلانه و درست باشد. القِسْطَاس

المستقیم

6- مراعات حقوق همه ی انسان ها لازم است، نه تنها مؤمنین. لا تبخسوا

النَّاس

7- کم فروشی، در هر چیزی ممنوع است و مخصوص پیمانان و ترازو نیست.

لا تبخسوا النَّاسَ اشیائهم

8- کم فروشی، نوعی فساد است و کسانی که به جامعه ضربه ی اقتصادی

می زنند مفسد فی الارض هستند. زیرا نابسامانی های اقتصادی، سرچشمه ی از

هم پاشیدگی نظام اجتماعی است. لا تَعْتُوا فی الارض مفسدین

9- شناخت انحرافات موجود در جامعه، گام اوّل در اصلاح جامعه است.

(تمام آیات)

184 - وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأُولِينَ

185- قَالُوا إِنَّمَا آءَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ

ترجمه:

و از خدایی که شما و اقوام پیشین را آفریده پروا کنید. مردم (به جای قبول

دعوت شعیب) گفتند: تو قطعاً از سحرشدگانی.

186 - وَمَا آءَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكٰذِبِينَ

ترجمه:

و تو جز بشری مثل ما نیستی، و ما تو را از دروغگویان می پنداریم.

نکته ها:

کلمه ی **جِبَلٍ** به معنای امت و جماعت است، چنانکه در جای دیگر می فرماید: **و لقد اضلّ منکم جبلاً کثیراً**⁽⁵³⁾ شیطان گروه زیادی از شما را گمراه کرد. چون کلمه ی **جَبَلٍ** به معنای کوه و **جِبَلِی** به معنای فطری است، به اقوام و نسل هایی که قدیمی هستند یا خلق و خوی فطری دارند و مثل کوه استوارند، **جِبَلِی** گفته می شود.

پیام ها:

1- کسی که انسان را آفرید، شایسته ی احترام است و باید از او پروا کرد.

و اتّقوا الذی خلقکم

2- تقوا و ایمان، مانع فساد اقتصادی است. آنکه شما را آفرید، رزق شما را

هم می دهد. **و اتّقوا الذی خلقکم** (با توجه به آیات قبل درباره ی کم فروشی)

3- به آداب و رسوم فاسد نیاکان، تکیه نکنیم که همه مخلوق خدا هستیم و

باید مطیع او باشیم. **خلقکم و الجبلة الاولین**

4- تهمت، اهرم کسانی است که منطقی ندارند. **قالوا انما انت من المسحرین**

5- خلافتکار، خلاف خود را توجیه می کند. (به جای اقرار به اشتباه و

لجاجت خود، انبیا را سحر شده می داند). **انت من المسحرین**

187 - **فَاءَسْقِطُ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن كُنتَ مِنَ الصّٰدِقِیْنَ**

ترجمه:

پس اگر تو از راستگویانی، پاره هایی از آسمان را بر سر ما بیفکن!

188 - **قَالَ رَبِّيْ اءَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ**

ترجمه:

(شعیب) گفت: پروردگار من به آنچه انجام می دهید آگاه تر است.

189 - فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

ترجمه:

پس شعیب را تکذیب کردند و عذاب روز ابر (آتشبار) آنان را فراگرفت. البته آن عذاب روز بزرگ و هولناکی است.

190 - إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

191 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ترجمه:

بی شک در این (ماجرا) نشانه ای (از قدرت الهی) است، ولی اکثر مردم ایمان آورنده نیستند. و البته پروردگارت همان توانای مهربان است.

نکته ها:

کلمه **ی کِسَفَ** که چهار بار در قرآن آمده، جمع **کِسْفَة** به معنای قطعه است و در اینجا مراد پاره ای از ابر است. و مراد از **عذاب یوم الظُّلَّةِ**، یا عذاب در روزی است که مردم از شدت گرما زیر سایبان ها پناه برده بودند، یا روزی که ابری بر سرشان سایه افکنده بود.

در چگونگی عذاب قوم شعیب چند تعبیر آمده است: یک جا می فرماید: با زلزله نابود شدند.⁽⁵⁴⁾ در جای دیگر می فرماید: با صیحه عذاب شدند.⁽⁵⁵⁾ و در اینجا مسأله ی ابر مطرح است. هر سه مطلب، با هم قابل جمع است که از ابر سیاهی رعد و صیحه ای برخیزد و لرزه بر جان آنان بیفتد یا با ایجاد زلزله ای همزمان، نابود شوند؛ و شاید زلزله مربوط به اصحاب مدین و ابر سیاه مربوط به اصحاب ایکه باشد، چون حضرت شعیب بر هر دو قوم مبعوث بود و در سوره

ی اعراف، رسالت بر قوم مدین مطرح شده است که آنان با زلزله نابود شدند، ولی در این سوره از رسالت بر اصحاب ایکه یاد شده است.

پیام ها:

- 1- خواسته و تقاضای سنگدلان نیز خشن است. **إِسْقَطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ**
- 2- با مقاومت رهبران حق، مخالفان از شعارهای تند خود عقب نشینی می کنند. قوم شعیب اوّل او را سحر شده و دروغگو خواندند، سپس گفتند: اگر از راستگوبانی. **أَمَّا أَنْتَ مِنَ الْمَسْحَرِّينَ** به ان **كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ** تبدیل می شود.
- 3- در شیوه ی تبلیغ و ارشاد، لازم نیست بر طبق تمایلات و خواسته های مخالفان عمل شود. **قَالَ رَبِّي اعْلَمُ...** (آنان سقوط قطعاتی از آسمان را درخواست می کردند، اما پیامبر پاسخ می دهد: خداوند آگاه تر است)

4- یاد خدا و توکل بر او، بهترین پشتوانه در برابر خرافات است. **قَالَ رَبِّي**

اعلم...

- 5- سرنوشت ما به دست خود ماست. **فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُم...**
- 6- خداوند، انبیا را حمایت و مخالفانشان را نابود می کند. **فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُم**
- 7- حبّ دنیا و رسیدن به مال، انسان را به سرکشی در برابر انبیا و ادار می کند. **لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ فَكَذَّبُوهُ**

8- هدف قرآن از نقل تاریخ، عبرت آموزی است، نه داستان سرایی. **لَايَةٌ**

9- اکثر مردم در خطّ حقّ قرار نمی گیرند. **وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ**

10- مربّی باید همراه با قدرت، عطوفت نیز داشته باشد. **لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ**

11- همان خداوندی که شعیب را حمایت و مخالفان او را هلاک کرد،

پروردگار تو نیز هست. **إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ** (بیان تاریخ امثال حضرت

شعیب، هم مایه ی دلداری و تسلّی پیامبر است و هم تهدیدی برای کفار و دشمنان)

12- هلاکت مخالفان انبیا، نمودی از عزّت و قدرت الهی است، همان گونه که مهلتی که به آنان داده می شود نمودی از رحمت اوست. **العزیز الرحیم**

192 - وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

193 - نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ

194 - عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ

ترجمه:

والبته این (قرآن) فرستاده پروردگار جهانیان است. (که جبرئیل) فرشته ی امین الهی آن را فرو آورده است بر دل تو، تا از هشداردهندگان باشی.

195 - بَلِسَانَ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ

196 - وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ

ترجمه:

(این قرآن) به زبان عربی روشن (نازل شده) و همانا (خبر) آن در کتاب های (آسمانی) پیشین آمده است.

نکته ها:

زُبُر از واژه ی زَبْر به معنای نوشتن و جمع زبور به معنای کتاب است.

قرآن را ساده ننگریم، زیرا:

الف: سرچشمه ی آن، **رَبِّ الْعَالَمِينَ** است.

ب: واسطه ی آن، **روح الامین** است.

ج: ظرف آن، قلب پاک پیامبر ﷺ **قلبک** است.

د: هدف آن، بیداری مردم **المنذرين** است.

ه: زبان آن، فصیح و بلیغ **عربیّ مبین** است.

و: بشارت آن، در کتاب های پیشینیان، **زُبرِ الاولین** است.

حضرت اسماعیل، هود، صالح و شعیب **عَلَيْهِمُ السَّلَامُ**، به زبان عربی سخن می گفته

اند. (56)

فرشته ی وحی دارای چند نام است: روح الامین، روح القدس، شدیدالقوی، رسولکریم و جبرئیل. دلیل این که به جبرئیل روح گفته شده، یا به خاطر آن است که دین و روح مردم به واسطه ی او زنده شده، یا خودش موجودی روحانی است.

پیام ها:

- 1- قرآن وحی الهی است، نه شنیده ها و بافته های پیامبر. **إِنَّهُ لَنْزِيلُ**
- 2- قرآن از دنیای غیب به دنیای شهود نازل شده است. **لَنْزِيلِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**
- 3- کسی که وحی می فرستد، همانی است که تمام هستی را اداره و تربیت می کند. (قوانین آسمانی با نظام آفرینش هماهنگ است) **لَنْزِيلِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**
- 4- نزول وحی، وسیله ی رشد واز شئون ربوبیت است. **لَنْزِيلِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**
- 5- سنت الهی به استخدام واسطه هاست. **نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ**
- 6- وحی الهی بدون کم و کاست نازل شده است. **نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ**
- 7- قلب، مرکز دریافت حقایق است. **عَلَى قَلْبِكَ**
- 8- تا از عمق جان چیزی را باور نداشته باشیم، نمی توانیم هشدار جدی بدهیم. **عَلَى قَلْبِكَ لَتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ**
- 9- سنت خداوند، فرستادن پیامبران برای انذار و هشدار است. **مِنَ الْمُنذِرِينَ**

10- درمان غافل، با انذار و هشدار است. **من المنذرین** در قرآن، انذار بیشتر از بشارت آمده است.

11- تبلیغ باید روشن و با زبان مردم باشد. **عربیّ مبین**

12- بشارت قرآن، در کتب آسمانی پیشین آمده است. **زُبرِ الاوّلین** چنانکه بشارت آمدن پیامبر اسلام در تورات و انجیل بوده است. **یجدونه مکتوبا فی**

التوراة والانجیل (57)

13- در برنامه ریزی و مدیریت، زمینه را برای رشد و هدایت و فعالیت آیندگان فراهم سازید. **زُبرِ الاوّلین**

14- مضمون و محتوای قرآن، در کتاب های آسمانی پیشین بوده، ولی الفاظ

آن بر قلب مبارک رسول خدا ﷺ نازل شده است. **زُبرِ الاوّلین**

197 - اءَوْلَمُ يَكُنْ لَهُمْ ءَايَةٌ اءَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَآؤُا بَنِي إِسْرَءِيلَ

ترجمه:

آیا این که علمای بنی اسرائیل از آن (قرآن) اطلاع دارند، برای آنان (مشرکان عرب) نشانه ای (بر صحت آن) نیست؟

198 - وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلٰى بَعْضِ الْاَعْجَمِيْنَ

ترجمه:

(بر فرض) اگر ما قرآن را بر بعضی غیر عرب ها نازل می کردیم.

199 - فَقرَاءَهُ عَلَيْهِم مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِيْنَ

ترجمه:

پس او آن را برایشان می خواند، عرب ها به آن ایمان نمی آوردند.

نکته ها:

امام صادق علیه السلام فرمودند: ارزش و فضیلت غیر عرب این است که آنان به سوی قرآنی که به زبان عربی است گرایش پیدا کردند، ولی اگر قرآن به زبان غیر عربی بود، بعضی عرب ها ایمان نمی آوردند. ⁽⁵⁸⁾

پیام ها:

1- عذرِ جاهلِ مقصّر، پذیرفته نیست. **اولم یکن لهم آیه** شما که از علمای خود نمی پرسید، سزاوار توییخ و سرزنش هستید.

2- علمای بنی اسرائیل از حقایق قرآن آگاه بودند. **یعلمه علماء بنی اسرائیل**

3- در تبلیغ و تربیت، به احساسات و زبان ملی مخاطب توجه کنید. **لو نزلناه**

علی بعض الاعجمین...

4- تعصّب و نژادپرستی، مانع حقیقتی است. **لو نزلناه ما كانوا به مؤمنین**

5- تعصّب و ملیّت گرایی در قوم عرب زیاد است. لو نزلناه... ما كانوا به

مؤمنین

200 - كَذَلِكَ سَلَكَنَّهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ

201 - لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

202 - فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

ترجمه:

ما این گونه قرآن را (با بیانی رسا و روشن) در دل‌های گناهکاران عبور دادیم، (ولی آنان) ایمان نمی آورند، مگر آنکه عذاب دردناک را مشاهده کنند. که ناگهان و در حالی که آگاه نباشند به سراغشان آید.

203 - فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ

204 - اءَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

ترجمه:

پس گویند: آیا به ما مهلتی (برای توبه و جبران) داده خواهد شد؟ آیا نسبت به نزول عذاب ما عجله دارند (که می پرسند قهر خدا چه زمانی است)؟

205 - اءَفَرَأَيْتَ اِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ

206 - ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ

ترجمه:

آیا دیدی که اگر سال ها هم آنان را (از نعمت های خود) برخوردار کنیم، آنگاه عذاب موعود به آنها خواهد رسید.

نکته ها:

در روایات می خوانیم: رسول خدا ﷺ در خواب دیدند که بنی امیه از منبرش بالا می روند و مردم را منحرف می کنند، چون از خواب برخاستند غمگین بودند، در این وقت جبرئیل این آیات را آورد: **اءفرايت ان متّعناهم سنين. ثمّ جائهم ما كانوا يوعدون** (59)

پیام ها:

1- خداوند حتی با کفار اتمام حجّت می کند و قرآن را بر آنان عرضه می کند و بر دلشان عبور می دهد. **سَلَكْنَاهُ**

2- اگر قابلیت نباشد، قرآن هم کارساز نیست. **سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمَجْرِمِينَ**

لَايُؤْمِنُونَ

3- جرم و گناه، زمینه ی هدایت را در انسان محو می کند. **الْمَجْرِمِينَ لَا يَأْمُرُونَ**

بِالْحَقِّ

4- همان گونه که اگر قرآن به زبان اعجمی نازل می گردید، عرب های مشرک مکه ایمان نمی آوردند، اکنون هم که به زبان عربی روشن نازل و مطالب آن بر دل آنان وارد می شود، باز هم ایمان نمی آورند. **لَا يَأْمُرُونَ بِالْحَقِّ**

5- ایمان در لحظه ی اضطرار سودی ندارد. **لَا يَأْمُرُونَ بِالْحَقِّ يَرَوْنَ الْعَذَابَ**

6- به مهلت دادن خداوند مغرور نشویم، زیرا مرگ و عذاب الهی به صورت

ناگهانی می آید. فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً

7- مجرم، در لحظه ی مرگ تقاضای مهلت دارد. **هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ**

8- روزی وجدان های خفته بیدار خواهد شد. **هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ**

9- کسانی که در دیدن عذاب الهی عجله دارند، روزی برای در امان بودن از

عذاب، مهلت خواهند خواست. **مُنْظَرُونَ يَسْتَعْجِلُونَ**

10- مهلت برای سیه دلان سودی ندارد. مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ... جَاءَهُمْ مَا كَانُوا

یوعدون

207 - مَا آءَاغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَتِعُونَ

ترجمه:

آنچه برخوردار بودند، در دفع عذاب به کارشان نیاید.

208 - وَمَا آءَاهَلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ

209 - ذِكْرَى وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ

ترجمه:

وما (مردم) هیچ منطقه ای را هلاک نکردیم، مگر آن که بیم دهندگانی داشتند. تا مایه ی پند و عبرت باشد، و ما ستمکار نبودیم (که بدون هشدار مجازات کنیم).

نکته ها:

خداوند، هر فرد و قوم گمراهی را زمانی هلاک می کند که از قبل به آنان هشدار داده باشد، وگرنه عقوبت بدون هشدار ظلم است و ظلم در شاءن خداوند نیست. قرآن، این حقیقت را در آیات مختلف بیان کرده است:

و ما ظلمناهم⁽⁶⁰⁾ ما به آنان ظلم نکردیم.

و ما الله یُرید ظلما⁽⁶¹⁾ خداوند اراده ی ظلم نمی کند.

ما كان الله لیظلمهم⁽⁶²⁾ شاءن خداوند ظلم کردن نیست.

لا یظلمون نقیرا⁽⁶³⁾، لا یظلمون شیئا⁽⁶⁴⁾ کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.

لا یظلمون فتیلا⁽⁶⁵⁾ خداوند به اندازه نخ درون هسته خرما و کمتر از آن ظلم

نمی کند.

لا يظلم مِتقال ذرّة⁽⁶⁶⁾ خداوند به اندازه ی سنگینی ذره ای ستم نمی کند.

پیام ها:

1- در هنگام قهر الهی، همه ی اسباب کامیابی بی فایده است. ما اءغنی

عنهم

2- رفاه مخالفان دین، شما را غمگین نکند که روزی آن را خواهیم گرفت.

ما اءغنی عنهم ما كانوا یمتعون

3- قهر الهی، بعد از اتمام حجّت است. تنبیه باید بعد از تذکّر باشد. و ما

اهلکنا... الاّ لها منذرون

4- در هر امتی اولیای خدا هستند که آنان را هشدار دهند. من قریة الاّ

لها منذرون

5- وظیفه ی انبیا هشدار است و در قبول یا ردّ مردم مسئولیتی ندارند.

منذرون

6- انسان فطرتاً حقایق را درک می کند، لکن چه بسا غفلت او را فرامی

گیرد، و درمان غفلت، تذکّر و هشدار است. منذرون

7- تنبیه قبل از تذکّر، ظلم است. ذکری و ما کنا ظالمین

8- شاعن الهی از ظلم دور است. و ما کنا ظالمین

210 - وَ مَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيْطَانُ

211 - وَ مَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَ مَا يَسْتَطِيعُونَ

212 - إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُونَ

ترجمه:

و قرآن را شیطان ها نازل نکرده اند. نه سزاوار آنان است (که شیاطین آن را نازل کنند) و نه قدرت بر این کار دارند. بی شک آنها از شنیدن (اخبار آسمانی) برکنارند.

213- فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ

ترجمه:

پس (ای پیامبر!) با خدا معبود دیگری را نخوان که از عذاب شدگان خواهی شد.

نکته ها:

وحی دو نوع است:

الف: وحی الهی که به وسیله ی روح الامین بر قلب پیامبر ﷺ نازل می شود، که این نوع وحی نه سزاوار جن و شیاطین است و نه آنها توان دریافت و ارسال آن را دارند. **و مَا يَنْبَغِي لَهُمْ و مَا يَسْتَطِيعُونَ**

ب: نوع دیگر وحی، وسوسه ها و الهام های شیطانی است که شیطان ها بر اولیای خود القا می کنند. **إِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ** (67)
قرآن از استحکام و مقامی والا و از قداست و حفاظتی خاص برخوردار است، زیرا آورنده آن روح الامین است، از هرگونه دستبردی محفوظ است، لمعزولون گیرنده آن معصوم است، **و مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ** (68) و تضمین شده است. **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ** (69)

مشرکین به پیامبر ﷺ پیشنهاد کردند: اگر تو بت های ما را بخوانی و آنها را محترم بدانی، ما نیز تو را رئیس خود قرار می دهیم. آیه نازل شد که کفار را مایوس کن. **فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ**

پیام ها:

- 1- تهمت ها را قاطعانه پاسخ دهید. و ما تَنْزَلَتْ مشرکین القای آیات را کار شیاطین می پنداشتند.
- 2- قداست وحی، از خباثت شیاطین دور است. ما یَنْبَغی لهم
- 3- قدرت جن و شیاطین محدود است. و ما یَسْتَطِيعُونَ
- 4- ورود بیگانگان به مراکز قدسی ممنوع است. اِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَزُولُونَ
- 5- اگر قابلیت و پاکی و ظرفیت باشد، فرشته را به نزول وا می دارد. نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الامین علی قلبک ولی اگر آمادگی نباشد حتی پرواز به آسمان، با برگشت و محرومیت همراه خواهد بود. لَمْعَزُولُونَ، فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ (70)
- 6- هدف نهایی نزول قرآن، توحید است. و ما تَنْزَلَتْ... فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ
- 7- خداوند پیامبر را از شرک نهی می کند، تا ما بیاموزیم و گرنه پیامبر لحظه ای به سراغ غیر خدا نرفت. (به در می گویند تا دیوار بشنود). فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ
- 8- عصمت انبیا، با آزادی و اختیار آنان منافاتی ندارد. (پیامبر معصوم است ولی می تواند به سراغ غیر خدا رود، لذا مورد نهی قرار می گیرد) فَلَا تَدْعُ
- 9- رهبران توحید باید خود اولین موحدان باشند. فَلَا تَدْعُ
- 10- غیر خدا، هر چیز و هرکس باشد، قابل پرستش نیست. اَلْهٰ اٰخِر
- 11- شرک، سبب هلاکت امت های پیشین گردیده است. فَلَا تَدْعُ... فَتَكُونُ مِنَ الْمَعْذِبِينَ (یعنی از عذاب شدگان قبلی می شوی)
- 12- به سراغ غیر خدا رفتن، بیچارگی و عذاب به دنبال دارد. فَتَكُونُ مِنَ الْمَعْذِبِينَ
- 13- آیات الهی، به شخصیت های بزرگ نیز هشدار می دهد. فَتَكُونُ مِنَ الْمَعْذِبِينَ

214 - وَاَنْذِرْ عَشِيْرَتَكَ الْاَقْرَبِيْنَ

215- وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ

ترجمه:

و خویشان نزدیك را هشدار ده. و برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده اند، بال خود را بگستر (و متواضع باش).

216 - فَاِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ اِنِّيْ بَرِيْءٌ مِّمَّا تَعْمَلُوْنَ

217 - وَتَوَكَّلْ عَلٰى الْعَزِيْزِ الرَّحِيْمِ

ترجمه:

پس اگر سرپیچی کردند بگو: قطعاً من از آنچه انجام می دهید بیزارم. و بر (خدای) عزیز و مهربان توکل کن.

نکته ها:

پس از نزول آیه 214، پیامبر اکرم ﷺ بستگانش را به مهمانی فراخواند و بعد از پذیرایی، سخن خود را آغاز و آنان را از شرک و بت پرستی نهی فرمود. (71)

کلمه ی عَشِيْرَة، شاید به خاطر معاشرت بستگان با یکدیگر است که در مورد خویشان بکار می رود.

در نیکی به دیگران (مانند دیدوبازدید، انفاق، وام، ارشاد و امر به معروف)

نزدیکان انسان مقدمند. **أَنْذِرْ عَشِيْرَتَكَ الْاَقْرَبِيْنَ**

گشودن بال، در قرآن درباره ی دو مورد آمده است: یکی پیامبر برای

مؤمنین ؛ **وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنْ اتَّبَعَكَ** و دیگری فرزند برای والدین، امّا در

مورد فرزند کلمه ی **ذَلَّ** نیز آمده است. **وَاخْفِضْ لِهَمَّا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ** (72)

در آیه ی **وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ** زنان نیز جزو مخاطبان بوده اند. **عشیرتک** شامل زن و مرد است و تفسیر المیزان از طبرانی نقل کرده که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زنان را نیز دعوت کرده بود.

پیام ها:

- 1- پیوند خویشاوندی سبب مسئولیت بیشتری می شود. و **أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ**
- 2- در مکتب وحی، همه ی مردم در برابر قانون خدا یکسانند و نزدیکان پیامبر نیز مورد هشدار قرار می گیرند. و **أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ**
- 3- در تبلیغ و نهی از منکر، اول از خود شروع کنید؛ **فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ سِيسَ** نزدیکان. و **أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ**
- 4- ارشاد و تبلیغ باید با صراحت باشد. و **أَنْذِرْ**
- 5- روابط فامیلی نباید مانع نهی از منکر باشد. و **أَنْذِرْ**
- 6- هشدار به نزدیکان، زمینه ی پذیرش حق را در دیگران تقویت می کند. (مردم می گویند: این حرف ها را به بستگان خود نیز می زند). و **أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ**
- 7- در میان بستگان نیز اولویت مطرح است. **الاقربین**
- 8- در بین بستگان به خاطر شناخت عمیق و اعتماد، زمینه ی پذیرش حق بیشتر است. **الاقربین**
- 9- هشدار باید با سوز و محبت همراه باشد. **أَنْذِرْ... وَاخْفِضْ**
- 10- تواضع در برابر یاران، پیروان و زیردستان، از صفات لازم برای رهبر و مبلغ است. **وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنْ أَتَّبَعَكَ**
- 11- با مؤمنین تواضع، از مشرکین برائت. **وَاخْفِضْ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ**
- 12- در اهمیت تواضع همین بس که خداوند پیامبر را به آن فرمان می دهد.

واخفض

13- لازمه ی ایمان به خداوند، پیروی از پیامبر است. لَمَنْ أَتَّبَعَكَ مِنْ

المؤمنين و نفرمود: للمؤمنين

14- مؤمنان، به قدری مقام دارند که رسول الله ﷺ ماءمور به فروتنی در

برابر آنان می شود. وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنْ أَتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

15- ملاک برخوردارها، ایمان و کفر است، نه فامیل بودن. (بستگانت را انذار

ده ولی نسبت به مؤمنین تواضع کن). أَنْذِرْ وَاخْفِضْ

16- تواضع، تنها با زبان نیست، فروتنی در عمل نیز لازم است. جَنَاحَكَ

17- میزان تولی و تبری، اطاعت از رسول خداست. أَتَّبَعَكَ عَصْوِكَ

18- تنفر قلبی از کفر کافی نیست، اعلام قولی لازم است. فَقُلْ

19- کسی که بر خداوند توکل دارد می تواند از عملکرد کفار و بی اعتنایی

بستگان اعلام براءت و تنفر کند. بَرِيءٌ و تَوَكَّلْ

20- به کسی تکیه کنیم که قدرتمند و دوستدار ما باشد. و تَوَكَّلْ عَلَيَّ

العزیز الرحیم

218- اءَلَّذِي يَرِيكَ حِينَ تَقُومُ

219 - وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّجْدِينَ

220 - إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

ترجمه:

خدایی که چون (به نماز) برمی خیزی تو را می بیند. و حرکت تو را در میان سجده کنندگان (نیز می بیند). زیرا که اوست شنوا و دانا.

221 - هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ

ترجمه:

آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می آیند؟

222 - تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ

223 - يُلْقُونَ السَّمْعَ وَاكْثَرُهُمْ كَذِبُونَ

ترجمه:

بر هر دروغساز گنه پیشه ای فرود می آیند. (زیرا این افراد) به سخنان شیاطین گوش فرا می دهند و بیشترشان دروغگویند.

نکته ها:

کلمه **ی أَفَّاكٍ** به معنای کذاب و دروغساز است.

در مورد قیام پیامبر ﷺ در آیه ی 218، یا مراد قیام برای نماز است، یا قیام برای انذار و تبلیغ. چنانکه امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: مراد قیام در مسئله ی نبوت است.

احتمال دارد مراد از آیه ی 223 این باشد: شیاطینی که بر افراد فاسد نازل می شوند، برای شنیدن اخبار آسمان گوش خود را القا می کنند، گرچه با شهاب رد می شوند.

امام باقر علیه السلام فرمود: مراد از جمله ی *تَقَلِّبْکَ فِی السَّاجِدِیْنَ* آن است که خداوند از جا به جایی تو در اصلاب نیاکان خداپرست تو آگاه بوده است. (73)

از آنجاکه مشرکین، نزول وحی را نزول شیاطین بر حضرت می پنداشتند، خداوند با قاطعیّت می فرماید: شیاطین بر دروغسازان گنهکار نازل می شوند نه بر پیامبر معصوم. بنابراین دو نوع نزول داریم: یکی نزول وحی از طریق فرشته ای امین *أَنَّ لِنَنْزِیلِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ نَزْلَ بِلِّیْلِ* به الرّوح الامین دیگری نزول شیاطین بر افراد آلوده. *تَنْزَلُ عَلَیْ کُلِّ أَفَّاکٍ أَثِیْمٍ*

پیام ها:

1- خداوند با یادآوری نظارت خویش، از پیامبرش دلجویی می کند.

یَراک...

2- انسان در حال نماز مورد توجه خاصّ خداوند است. *یَراک حِینَ تَقُومُ*

3- سجده مهم ترین رکن نماز است. *فِی السَّاجِدِیْنَ*

4- بر خدایی توکل کنیم که علاوه بر داشتن عزّت و رحمت، شنوا و آگاه است و حرکت ها و عبادت های ما را می بیند. *تَوَكَّلْ عَلَی الْعَزِیزِ الرَّحِیْمِ السَّمِیْعِ الْعَلِیْمِ*

العلیم

5- در شیوه ی تبلیغ، با سؤال کردن زمینه ی توجه و شنیدن را در مخاطبین

زنده کنیم. *هَلْ أَنْبَأْتُکُمْ*

6- روحیه ها، ظرفیّت ها و لیاقت های گوناگون، نزول های گوناگونی را به

همراه دارد. *نَزَلَ بِلِّیْلِ* به الرّوح الامین *عَلِی قَلْبِکَ تَنْزَلُ عَلَی کُلِّ أَفَّاکٍ أَثِیْمٍ*

7- دریافت کننده ی وحی تنها یک دل است، دل پاک پیامبر قلبک، ولی

دریافت کننده ی وسوسه های شیطانی، هر دل آلوده ای است. *کُلِّ أَفَّاکٍ*

8- بدتر از گناه، تکرار و عجین شدن آن با خلق و خوی آدمی است. **افّاك**

أثيم

9- نشانه ی گناهکار آلوده آن است که گوش خود را در اختیار هر سخنی

می گذارد. **يُلْقُونَ السَّمْعَ**

10- دروغ، سرچشمه ی بسیاری از گناهان و خطرناک تر از آنهاست و لذا

قلب دروغ ساز، فرودگاه شیطان می شود. **تَنزَّلَ عَلَيَّ كُلَّ افّاكٍ أَثِيمٍ**

224 - **وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ**

225- **إِذْ لَمْ تَرَآءَهُمْ فِي كُفٍّ وَادٍ يَهيمُونَ**

226 - **وَآءتَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ**

ترجمه:

(پیامبر اسلام شاعر نیست، زیرا) شاعران را گمراهان پیروی می کنند. آیا

ندیدی که آنان در هر وادی سرگشته می روند؟ و مطالبی می گویند که به آن

عمل نمی کنند؟

227 - **إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَذَكَرُوا اللّٰهَ كَثِيرًا**

وَأنتَصَرُوا مِن بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

ترجمه:

مگر آنان (شاعرانی) که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده و خدا را

بسیار یاد می کنند، و پس از آن که مورد ستم قرار گرفتند (به دفاع از خود)

یاری می طلبند (و با شعر از مظلومیّت خود دفاع می کنند) و کسانی که ظالمنند،

به زودی خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه باز خواهند گشت.

نکته ها:

کلمه ی **غاوون** از **غیّ**، ضد رشد است، چنانکه در جای دیگر می فرماید: **قد تبین الرشد من الغیّ**⁽⁷⁴⁾

از آنجا که کفار قرآن را ساخته ی وهم و خیال، و پیامبر را شاعر می دانستند، این آیات آنان را محکوم می کند که طرفداران شعرا، گمراهانند ولی طرفداران پیامبر اسلام گمراه نیستند. شعرا بی هدف و سرگشته اند و به گفته ی خود عمل نمی کنند، ولی پیامبر این گونه نیست، هماهنگی میان گفتار و رفتار پیامبر اسلام، نشانه ی آن است که او شاعر نیست.

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده که به مناسبت آیه ی والشعراء يتبعهم الغاوون فرمودند: کسانی که فقه را برای غیر دین آموخته باشند، یا عمیق نیاموخته باشند، هم گمراهند و هم دیگران را گمراه می کنند و قصه سرایان نیز مشمول این سرزنش هستند.⁽⁷⁵⁾

از اینکه نام شعرای بی هدف در کنار دروغ سازانی که شیاطین بر آنان نازل می شوند، آمده است، شاید بتوان ارتباطی میان شیطان دروغ ساز و شاعر بی هدف هرزه گو کشف نمود.

به گفته ی روایات: ذکر کثیر، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام، یعنی سی و چهار مرتبه الله اکبر، سی و سه مرتبه **الحمد لله** و سی و سه مرتبه **سبحان الله** است.

در حدیث آمده است: ذکر خدا تنها با زبان نیست، بلکه یاد خداست به هنگام ترک گناه و انجام عبادت. **ذکروا الله**⁽⁷⁶⁾

در حدیث می خوانیم: سر مبارک امام حسین علیه السلام بالای نیزه این آیه را تلاوت فرمود: **و سيعلم الذين ظلموا... و امام صادق علیه السلام فرمود: مصداق روشن ظلم، ظلم در حق آل محمد علیهم السلام است.**⁽⁷⁷⁾

شعر و شاعران

مطالبی درباره ی شعر و شاعران به مناسبت آیات آخر این سوره بیان می کنیم:

از تفسیر بیضاوی نقل شده: چون اشعار جاهلیت بیشتر پیرامون خیالات، توصیف زنان زیبا، معاشقه و افتخارات بیهوده یا بدگویی و تعرض به ناموس دیگران بوده این آیات نازل شده است. والشعراء يتبعهم الغاؤون

تفاوت میان حکیم و شاعر آن است که حکیم ابتدا معانی را در نظر می گیرد و بعد الفاظ را به کار می برد، ولی شاعر ابتدا قالب و الفاظ را در نظر می گیرد، سپس معانی را بیان می کند. (78)

در روایات، شعر خوبی که از حق طرفداری کند، از جهاد با سر نیزه برتر شمرده شده و مورد ستایش قرار گرفته است. (79)

رسول اکرم ﷺ فرمود: بعضی از بیان ها همچون سحر و بعضی از شعرها حکمت است. (80)

پیامبر اکرم ﷺ به شاعر متعهدی به نام **حَسَّان** فرمود: روح القدس با توست. (81)

پیامبر ﷺ در یکی از سفرها، **حَسَّان** را فراخواند که شعر بخواند. او می خواند و حضرت گوش می دادند. حضرت دستور دادند در مسجد جایگاه خاصی برای **حَسَّان** باشد. (82)

امام صادق عليه السلام به یاران خود می فرمود: کودکان خود را با شعر **عَبْدِي** آشنا کنید که او شاعری خوب و مکتبی است. (83)

امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس برای حقانیت ما یک بیت شعر بسراید، خداوند در بهشت خانه ای به او عطا می کند. (84)

امام صادق علیه السلام فرمود: خواندن شعر برای روزه دار و کسی که در حال احرام یا در منطقه حَرَم است، مکروه می باشد و نیز خواندن شعر در روز یا شب جمعه کراهت دارد. ⁽⁸⁵⁾

در روایات می خوانیم: راست ترین شعر در زمان جاهلیت این بوده است:

الا کلّ شیء ما خلا الله باطل

و کلّ نعیم لا محالة زائل ⁽⁸⁶⁾

یعنی بدانید که هر چیز، جز خداوند باطل است و هر نعمتی دیر یا زود از بین خواهد رفت.

در روایت آمده است: همین که آیه ی **والشعراء يتبعهم...** نازل شد گروهی از شاعران مسلمان نگران خود شده، نزد پیامبر اکرم آمدند. حضرت فرمود: **ان المؤمن مجاهد بسيفه و لسانه** یعنی مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می کند. ⁽⁸⁷⁾

پیام ها:

1- جذب مردم مهم نیست، مهم این است که چه افرادی و به چه هدفی جذب شوند. **يتبعهم الغاوون**

2- اسلام با هنر مخالف نیست، با شعر بی هدف مخالف است. **فی کلّ وادٍ**

یهیمون

3- اگر شعر همراه با ایمان و تقوا نباشد، خیالات و احساسات شخصی شاعر

و تمایلات مردم، هر روز شاعر را به یک وادی می کشاند. **فی کلّ وادٍ یهیمون**

4- آنچه مورد انتقاد است، گمراه کردن مردم و سرگرم نمودن آنان به امور

مختلف است. **يتبعهم الغاوون فی کلّ وادٍ یهیمون** خواه در زمینه ی شعر باشد یا قصه، یا فیلم یا عکس یا تئاتر یا طنز و یا سخنرانی، لکن شعر به خاطر زیبایی

و ویژگی های خاصش نافذتر است.

- 5- آفت های شعر چند چیز است: پیروی ناهلان، **یتبعهم الغاؤون**، بی هدفی
فی کلّ واد یهیمون و بی عملی. یقولون ما لایفعلون
- 6- اگر شعر و هنر در کنار ایمان قرار نگیرد، بستری مناسب و مسیری هموار
برای حرکت منحرفان خواهد شد. **والشعراء یتبعهم الغاؤون الا الذین آمنوا**
- 7- یکی از شیوه های امر به معروف و نهی از منکر، معرفّی الگوهای حقّ و
باطل است. **والشعراء... الا الذین**
- 8- قرآن از شاعری که اهل حرف است نه عمل، انتقاد کرده است. **یقولون ما
لایفعلون**
- 9- انصاف را مراعات کنید. حقّ خوبانِ هر صنف و گروه را نادیده نگیرید.
شعر و هنر در دست صالحان ارزش است. **الا الذین آمنوا**
- 10- ایمان، عمل صالح و یاد خدا، هنرمند و شاعر را از انحراف نجات می
دهد. **الا الذین آمنوا...**
- 11- قرآن شعری را تاءبید می کند که از شاعرِ مؤمن و عامل و ذاکر خدا
باشد و در مسیر تحریک مردم برای دفاع از حقّ به کار گرفته شود. **آمنوا و
عملوا... و انتصروا...**
- 12- ایمان بر عمل مقدّم است و اعمال نیز باید صالح باشد تا کارساز شود.
آمنوا و عملوا الصالحات
- 13- یاد خدا، به زمان و مکان و مقدار، محدود نیست. (در هر زمان، در هر
مکان، هر چه بیشتر) **ذکروا الله کثیراً**

14- هر کجا خطر لغزش زیاد است باید یاد خدا نیز زیاد باشد. ذکرُوا اللّٰه

کثیراً

15- با هنر و شعر، به مقابله ی ستمگران برویم. و انتصروا من بعد ما ظلموا

16- خداوند در کمین ستمگران است. و سيعلم الذين ظلموا

الحمد لله ربّ العالمين

پی نوشت ها :

- 1- تفسیر نمونه.
- 2- تفسیر کبیر فخر رازی.
- 3- نازعات، 24.
- 4- مریم، 48.
- 5- اعراف، 150.
- 6- یوسف، 33.
- 7- هود، 83.
- 8- تفسیر نورالثقلین.
- 9- اسراء، 102.
- 10- تفسیر المیزان.
- 11- ملک، 14.
- 12- زخرف، 51.
- 13- شعراء، 109، 127، 145، 164 و 180.
- 14- تفاسیر مجمع البیان و کبیر فخر رازی.
- 15- بقره، 60.
- 16- نحل، 43 ؛ انبیاء، 7.
- 17- انعام، 90.
- 18- مریم، 82.
- 19- تفسیر کبیر فخر رازی.
- 20- ص، 46.
- 21- تفسیر نمونه.
- 22- تفسیر صافی.
- 23- تفسیر نورالثقلین.
- 24- تفسیر کنزالدقائق.
- 25- وسائل، ج 6، ص 293.
- 26- تفسیر نورالثقلین، ج 2، ص 31.

- 27-مریم، 47.
- 28-توبه، 114.
- 29-تفسیر نورالثقلین.
- 30-تفسیر فرقان.
- 31-بیان السعاده.
- 32-آل عمران، 192.
- 33-تفسیر نورالثقلین.
- 34-تفسیر مجمع البیان.
- 35-تفسیر المیزان.
- 36-کنز العمال.
- 37-صافات، 83.
- 38-صافات، 79.
- 39-نساء، 94.
- 40-انعام، 52.
- 41-هود، 58، 66 و 94.
- 42-تفسیر نورالثقلین.
- 43-تفسیر المیزان و مجمع البیان.
- 44-شعراء، 189.
- 45-داستان نوح، آیه ی 105 ؛ داستان عاد، آیه ی 123 ؛ داستان صالح، آیه ی 141 ؛ داستان لوط، آیه ی 160 و داستان شعیب، آیه ی 176.
- 46-نهج البلاغه، خطبه 201.
- 47-اعراف، 73.
- 48-اعراف، 81.
- 49-انبیاء، 74.
- 50-نمل، 55.
- 51-تفسیر کبیر فخررازی.
- 52-غرر الحکم.
- 53-یس، 62.

- 54-اعراف، 89.
- 55-هود، 96.
- 56-تفسير منهج الصادقين.
- 57-اعراف، 175.
- 58-تفسير كنزالدقائق.
- 59-تفسير الميزان.
- 60-نحل، 118.
- 61-غافر، 31.
- 62-عنكبوت، 40.
- 63-نساء، 124.
- 64-مريم، 60.
- 65-نساء، 49.
- 66-نساء، 40.
- 67-انعام، 121.
- 68-نجم، 3.
- 69-حجر، 9.
- 70-حجر، 18.
- 71-تفسير مجمع البيان.
- 72-اسراء، 24.
- 73-بحار، ج 15، ص 3.
- 74-بقره، 256.
- 75-تفسير نورالثقلين.
- 76-تفسير كنزالدقائق.
- 77-تفسير نورالثقلين.
- 78-لغت نامه دهخدا.
- 79-تفسير كنزالدقائق.
- 80-تفسير المنير.
- 81-تفسير كنزالدقائق.

- 82- تفسير روح المعاني.
- 83- تفسير كنز الدقائق.
- 84- بحار، ج 79، ص 291.
- 85- وسائل، ج 7، ص 121.
- 86- تفسير مواهب العليّه.
- 87- تفسير منهج الصادقين.

فهرست مطالب

- 2 سیمای سوره ی شعراء
- 2 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
- 2 1 - طسم
- 2 2 - تِلْكَ اٰیٰتُ الْكِتٰبِ الْمُبِیْنِ
- 3 3 - لَعَلَّكَ بَخِعٌ نَّفْسَكَ اِءْ لَا یَكُوْنُوْا مُؤْمِنِیْنَ
- 3 نکته ها:
- 3 پیام ها:
- 4 4 - اِنْ نَّشَاءُ نُنزِّلُ عَلَیْهِمْ مِّنَ السَّمٰوٰتِ اٰیٰةً فَظَلَّتْ اَعْنَاقُهُمْ لَهَا خٰضِعِیْنَ
- 4 پیام ها:
- 4 5- وَمَا یَاۡتِیْهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمٰنِ مُحَدَّثٍ اِلَّا كَانُوْا عَنْهُ مُعْرِضِیْنَ
- 5 6 - فَقَدْ كَذَّبُوْا فَسَیَاۡتِیْهِمْ اَنْبَیَآءٌ مَّا كَانُوْا بِهٖ یَسْتَهْزِءُوْنَ
- 5 نکته ها:
- 5 پیام ها:
- 6 7 - اءْوَلَمْ یَرَوْا اِلَیَّ الْاَرْضَ كَمَا اَنْبَتْنَا فِیْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِیْمٍ
- 6 8- اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰیةً وَمَا كَانَ اَعْکَثَرُهُمْ مُّؤْمِنِیْنَ
- 6 9 - وَاِنَّ رَبَّكَ لَهٗوَ الْعَزِیْزُ الرَّحِیْمُ
- 6 نکته ها:
- 7 پیام ها:
- 7 10 - وَاِذْ نَادٰی رَبُّكَ مُوْسٰی اِنِّ اَنْتَ الْظٰلِمِیْنَ
- 8 11 - قَوْمٌ فَرَعَوْنَ اِءْ لَا یَتَّقُوْنَ
- 8 12 - قَالَ رَبِّ اِنِّیْ اِءْ خَافُ اِنِّ یُكْذِبُوْنَ

- 8..... نكته ها:
- 8..... پیام ها:
- 9..... 13 - وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَرُونَ
- 9..... 14 - وَلَهُمْ عَلَىٰ ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَعَنَ يَقْتُلُونَ
- 9..... 15 - قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ
- 9..... 16 - فَأَتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ
- 10..... 17 - أَعَنَ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ
- 10..... نكته ها:
- 11..... پیام ها:
- 13..... 18 - قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ
- 13..... 19 - وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَءَنْتَ مِنَ الْكٰفِرِينَ
- 13..... نكته ها:
- 13..... پیام ها:
- 14..... 20 - قَالَ فَعَلْتَهَا إِذَا وَاٰنَا مِنَ الضَّالِّينَ
- 14..... 21 - فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ
- 15..... نكته ها:
- 16..... پیام ها:
- 16..... 22 - وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ إِذْ أَعَنَ عَبْدَتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ
- 16..... 23 - قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ
- 16..... نكته ها:
- 17..... پیام ها:
- 17..... 24 - قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ
- 17..... 25 - قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ

- 26 - قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ 18
 نكته ها: 18
 پیام ها: 18
- 27 - قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ 19
 28 - قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ 19
 29 - قَالَ لئن اتَّخَذتِ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ 20
 30 - قَالَ أءَلَوْ جِئْتِكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ 20
 31 - قَالَ فَأَتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ 20
 نكته ها: 20
 پیام ها: 20
- 32 - فَأَتَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ 22
 33 - وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ 22
 نكته ها: 22
 پیام ها: 23
- 34 - قَالَ لِلْمَلَأِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ 23
 35 - يُرِيدُ أَعَنَ يُخْرِجْكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ 23
 36 - قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ 23
 37 - يَا تُوكَّ بِكُلِّ سِحَّارٍ عَلِيمٍ 23
 38 - فَجَمَعَ السَّحْرَةَ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ 24
 39 - وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَعْتَمَّ مُجْتَمِعُونَ 24
 نكته ها: 24
 پیام ها: 25
- 40 - لَعَلَّنَا نَتَّبِعِ السَّحْرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ 26

- 41 - فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَءَئِنَّا لَنَأْتِيَنَّكَ إِذَا كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ..... 26
- 42 - قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُتَّقِينَ 27
- 27 نكته ها:
- 27 پیام ها:
- 43 - قَالَ لَهُمْ مُوسَى ائْتُوا مَا آتَيْتُم مُّلْكُونَ 28
- 44 - فَأَتَوْاهُ حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ 28
- 28 پیام ها:
- 45 - فَأَتَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ 29
- 46 - فَأَتَى السَّحَرَةُ سَجِدِينَ 29
- 47 - قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ 29
- 48 - رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ 29
- 29 نكته ها:
- 29 پیام ها:
- 49 - قَالَ ءَامَنَّا لَهُ قَبْلَ ءَأَنۢ ءَاذَنَّا لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ ءَأَيْدِيَكُمْ وءَأَرْجُلَكُمْ مِّنۢ خَلْفٍ وَّلَأَصْلِبَنَّهُمْ ءَجْمَعِينَ 31
- 50 - قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ 31
- 51 - إِنَّا نَطْمَعُ ءَأَنۢ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا ءَأَنۢ كُنَّا ءَأَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ 31
- 31 نكته ها:
- 32 پیام ها:
- 52 - وءَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى ءَأَنۢ ءَأَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ 33
- 53 - فَأَرْسَلْنَا فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ 33
- 33 نكته ها:
- 34 پیام ها:

- 54 - إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ 35
- 55 - وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ 35
- 56 - وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ 35
- 57 - فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِّنْ جَنَّتٍ وَعَيْبُونَ 35
- 58 - وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ 35
- 59 - كَذَلِكَ وَاوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ 35
- 60 - فَأَتَّبَعُوهُمْ مُّشْرِقِينَ 35
- 35 نكته ها:
- 36 پیام ها:
- 61 - فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَائِلًا أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ 37
- 62 - قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ 37
- 37 نكته ها:
- 38 پیام ها:
- 63 - فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ 38
- 64 - وَاذْرَأْنَا ثُمَّ الْأَخْرِينَ 38
- 65 - وَاذْرَأْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ 39
- 66 - ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْأَخْرِينَ 39
- 67 - إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ 39
- 68 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ 39
- 39 نكته ها:
- 39 پیام ها:
- 69 - وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ 41

- 70 - إِذْ قَالَ لِأَيُّهَا قَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ 41
- 71 - قَالُوا نَعْبُدُ إِهْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عَافِينَ 41
- 72 - قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ 41
- 73 - إِيَّاكُمْ يَنْفَعُونَكُمْ إِيَّاكُمْ يَضُرُّونَ 41
- 74 - قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ 42
- 75 - قَالَ إِيَّاكُمْ كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ 42
- 76 - إِيَّاكُمْ وَإِبَادَكُمْ الْأَقْدَمُونَ 42
- 42 نكته ها:
- 43 پیام ها:
- 77 - فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ 45
- 78 - إِيَّاكَ خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ 45
- 79 - وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ 45
- 80 - وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ 45
- 81 - وَالَّذِي يُمَيِّتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ 45
- 82 - وَالَّذِي إِطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ 46
- 46 نكته ها:
- 46 پیام ها:
- 83 - رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَإِصْلِحْ لِي صَلَاتِي 49
- 49 نكته ها:
- 50 پیام ها:
- 84 - وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ 51
- 85 - وَاجْعَلْ لِي مِنْ وَرَثَةِ الْجَنَّةِ النَّعِيمِ 51
- 51 نكته ها:

- 102 - فَلَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ 59
- 103 - اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَايَةً وَمَا كَانَ اَعْكَثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ 59
- 104 - وَاِنَّ رَبَّكَ لَهٗوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ 59
- نكته ها: 60
- پیام ها: 60
- 105 - كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوْحٍ الْمُرْسَلِيْنَ 61
- 106 - اِذْ قَالَ لَهُمْ اٰخُوهُمْ نُوحٌ اِءِلَّا تَتَّقُوْنَ 61
- 107 - اِنِّيْ لَكُمْ رَسُوْلٌ اٰمِيْنٌ 61
- 108 - فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُوْنَ 61
- 109 - وَمَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اءَجْرِيْ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ 61
- 110 - فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُوْنَ 62
- 111 - قَالُوْا اءُتُوْنَ لَكَ وَاَتَّبَعَكَ الْاَرْدٰثُوْنَ 62
- نكته ها: 62
- پیام ها: 62
- 112 - قَالَ وَمَا عَلِمِيْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ 64
- 113 - اِنَّ حِسَابُهُمْ اِلَّا عَلٰى رَبِّيْ لَوْتَشْعُرُوْنَ 65
- نكته ها: 65
- پیام ها: 65
- 114 - وَمَا اَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِيْنَ 66
- 115 - اِنَّ اَنَا اِلَّا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ 66
- 116 - قَالُوْا لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهَ يَنْوَحْ لَتَكُوْنَنَّ مِنَ الْمَرْجُوْمِيْنَ 66
- 117 - قَالَ رَبُّ اِنَّ قَوْمِيْ كَذَّبُوْنَ 66
- 118 - فَافْتَحْ بَيْتِيْ وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَجَنِّبِيْ وَمَنْ مَّعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ 66

- 66..... نكته ها:
- 67..... پیام ها:
- 68..... 119 - فَأَنْبِئِينَهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ
- 68..... 120 - ثُمَّ أَعْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ
- 68..... 121 - إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
- 69..... 122 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ
- 69..... نكته ها:
- 69..... پیام ها:
- 69..... 123 - كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ
- 69..... 124 - إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ
- 70..... 125 - إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ
- 70..... 126 - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
- 70..... 127 - وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ
- 70..... نكته ها:
- 71..... پیام ها:
- 72..... 128 - أَلَمْ تَبْنُوا بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ
- 72..... 129 - وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ
- 72..... 130 - وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ
- 72..... 131 - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
- 72..... نكته ها:
- 73..... پیام ها:
- 74..... 132 - وَأَتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ
- 74..... 133 - أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَمٍ وَبَيْنَينَ

- 134 - وَجَنَّتْ وَعُيُونَ 74
- 135- إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ 74
- 136 - قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَعِظِينَ 75
- نكته ها: 75
- 137 - إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ 75
- 138- وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ 75
- 139 - فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ 76
- 140 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ 76
- نكته ها: 76
- پیام ها: 76
- 141 - كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ 77
- 142 - إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ 77
- 143 - إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ 77
- 144 - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْبُدُوا اللَّهَ 77
- 145- وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ 78
- نكته ها: 78
- پیام ها: 78
- 146 - أَلَمْ تَتْرُكُونَ فِي مَا هُنَّآءَ آمِنِينَ 79
- 147 - فِي جَنَّتٍ وَعُيُونَ 79
- 148- وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعَهَا هُضِيمٌ 79
- 149 - وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ 79
- 150 - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْبُدُوا اللَّهَ 79
- 151 - وَلَا تُطِيعُوا أُمَّرَ الْمُسْرِفِينَ 79

- 152 - اءَلَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ 80
- نكته ها: 80
- پیام ها: 81
- 153 - قَالُوا إِنَّمَا آءَاتَتْ مِنَ الْمُسْحَرِينَ 81
- 154 - مَا آءَاتَتْ إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُنَا فَآءَتْ بآءَةٍ إِن كُنْتَ مِنَ الصَّٰدِقِينَ 82
- پیام ها: 82
- 155 - قَالَ هَذِهِ نَآءَةٌ لَهَا شَرْبٌ وَلَكُمْ شَرْبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ 82
- 156 - وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَبآءٌ خُذْكُمْ عَذَابٌ يَوْمَ عَظِيمٍ 82
- 157 - فَعَقَرُوهَا فَآءَ صَبْحُوهَا نَدْمِينَ 82
- نكته ها: 83
- پیام ها: 83
- 158 - فَآءَ خَذَهُمُ الْعَذَابُ إِن فِي ذَلِكَ لآءِيَةٌ وَمَا كَانَ آءَ كَثْرَتِهِمْ مُؤْمِنِينَ 84
- 159 - وَإِن رَّبِّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ 84
- پیام ها: 84
- 160 - كَذَّبَتْ قَوْمٌ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ 84
- 161 - إِذِ قَالَ لَهُمْ آءُوهُمْ لُوطٌ آءَ لَا تَتَّقُونَ 85
- 162 - إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ آءَمِينٌ 85
- 163 - فَآءَتَّقُوا اللَّهَ وَآءَ طَبِيعُونَ 85
- 164 - وَمَا آءَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ آءَجْرٍ إِن آءَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ 85
- نكته ها: 85
- پیام ها: 85
- 165 - آءَآءَاتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ 86
- 166 - وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ آءَزْوَءِكُمْ بَلْ آءَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ 86

- 167 - قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَلُوطُ لَتَكُونَ مِنَ الْمُخْرَجِينَ 87
 نكته ها: 87
 پیام ها: 87
 168 - قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِّنَ الْفَالِقِينَ 88
 169 - رَبِّ نَجِّنِي وَآهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ 88
 170 - فَنجَيْنَهُ وَآهْلَهُ أَجْمَعِينَ 89
 171 - إِلَّا عَجُوزاً فِي الْغَيْرِينَ 89
 172 - ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ 89
 173 - وَآهْ مَطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذِرِينَ 89
 174 - إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ 89
 175 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ 89
 نكته ها: 89
 پیام ها: 89
 176 - كَذَّبَ آءِصْحَابُ تُيُوكَةَ الْمُرْسَلِينَ 91
 177 - إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ آءِ لَا تَتَّقُونَ 91
 178 - إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ آءَمِينٌ 91
 179 - فَاتَّقُوا اللَّهَ وَآءِطِيعُوا 91
 180 - وَمَا آءَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ آءَجْرٍ إِنْ آءَجَرْتُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ 92
 نكته ها: 92
 پیام ها: 92
 181 - آءِ وَفُوا بِالْكَيلِ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ 92
 182 - وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ 92
 183 - وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ آءِشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ 93

- 93..... نكته ها:
- 93..... پیام ها:
- 94..... 184 - وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأُولَى.....
- 94..... 185 - قَالُوا إِنَّمَا آءَاتَتْ مِنَ الْمُسْحَرِينَ.....
- 94..... 186 - وَمَا آءَاتَ إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكٰذِبِينَ.....
- 95..... نكته ها:
- 95..... پیام ها:
- 95..... 187 - فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ.....
- 95..... 188 - قَالَ رَبِّيَ آءَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ.....
- 96..... 189 - فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابٌ عَظِيمٌ.....
- 96..... 190 - إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَ آءَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ.....
- 96..... 191 - وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ.....
- 96..... نكته ها:
- 97..... پیام ها:
- 98..... 192 - وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَلَمِينَ.....
- 98..... 193 - نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ.....
- 98..... 195 - بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ.....
- 98..... 196 - وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأُولَى.....
- 98..... نكته ها:
- 99..... پیام ها:
- 101..... 197 - آءَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آءَايَةٌ آءَن يَعْلَمَهُ عُلَمَآؤُا بَنِي إِسْرَءِيلَ.....
- 101..... 198 - وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ.....
- 101..... 199 - فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُّؤْمِنِينَ.....

- 101..... نكته ها:
- 101..... پیام ها:
- 102..... 200 - كَذَلِكَ سَلَكَنَا فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ
- 102..... 201 - لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ
- 102..... 202 - فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
- 102..... 203 - فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ
- 102..... 204 - اءَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ
- 102..... 205 - اءَفَرَأَيْتَانِ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ
- 102..... 206 - ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ
- 103..... نكته ها:
- 103..... پیام ها:
- 104..... 207 - مَا آءَاغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ
- 104..... 208 - وَمَا آءَاهَلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنذَرُونَ
- 104..... 209 - ذِكْرَى وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ
- 104..... نكته ها:
- 105..... پیام ها:
- 105..... 210 - وَمَا نَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيْطَانُ
- 105..... 211 - وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ
- 105..... 212 - إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ
- 106..... 213 - فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آءَاخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ
- 106..... نكته ها:
- 107..... پیام ها:
- 108..... 214 - وَاءَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

- 215- واخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ 108
- 216 - فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ 108
- 217 - وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ 108
- نكته ها: 108
- پیام ها: 109
- 218- اءَلَّذِي يَرِيكَ حِينَ تَقُومُ 110
- 219 - وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّجْدِينَ 110
- 220 - إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ 111
- 221 - هَلْ اءُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيْطَانُ 111
- 222 - تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ اءَفَّاكٍ اءِثِيمٍ 111
- 223 - يُلْقُونَ السَّمْعَ وَاكْثُرُهُمْ كَذِبُونَ 111
- نكته ها: 111
- پیام ها: 112
- 224 - وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ 113
- 225- اءَلَمْ تَرَ اءَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ 113
- 226 - وَاَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ 113
- 227 - اِلَّا الَّذِيْنَ اءَامَنُوْا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللّٰهَ كَثِيْرًا وَاَنْتَصَرُوْا مِنْۢ بَعْدِ مَا ظَلَمُوْا وَسَيَعْلَمُ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا اءَيَّ مَنۢ قَلَبٍ يَّنْقَلِبُوْنَ 113
- نكته ها: 114
- شعر و شاعران 115
- پیام ها: 116
- بی نوشت ها : 119